



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

انتظار ۱۴



www.mohafiz.com



جامعہ منتظر

چالش‌ها و آسیب‌ها

سید محمد میرتاج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار ۱۴: جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها

نویسنده:

محمد میرتبار

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	انتظار ۱۴: جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	فهرست
۱۷	چکیده
۱۹	پیش‌گفتار
۲۲	کلیات
۲۲	اشاره
۲۳	آسیب شناسی
۲۴	آسیب شناسی دینی
۲۶	آسیب شناسی مهدویت
۲۸	فصل اول: آسیب شناسی جامعه منتظر
۲۸	اشاره
۳۰	۱. مفهوم شناسی جامعه منتظر
۳۲	۲. آسیب های فکری و اعتقادی
۳۲	۲_۱. عدم درک صحیح از اضطرار به حجت
۳۳	۲_۲. برداشت انحرافی از مفهوم غیبت
۳۶	۲_۳. برداشت انحرافی از مفهوم انتظار
۴۰	۲_۴. آمیختگی نشانه‌های ظهور با شرایط ظهور
۴۱	۲_۵. زمینه سازی از راه گسترش ظلم و فساد
۴۴	۲_۶. توقیت
۴۸	۲_۷. تطبیق
۵۲	۲_۸. طرح مباحث غیرضروری

- ۹_۲. کوتاهی متولیان در ارائه معارف ۵۴
۳. آسیب های رفتاری ۵۵
- ۱_۳. ایجاد هرج و مرج و بروز اختلافات شدید ۵۵
- ۲_۳. استعجال ۵۷
- ۳_۳. ظهور مدعیان دروغین ۶۰
- ۴_۳. ملاقات گرای ۶۳
- ۵_۳. بروز کسالت، سستی و بی حالی ۶۷
- ۶_۳. نمادگرایی افراطی ۶۸
- ۷_۳. ارتباط گسسته و مقطعی ۷۱
- ۸_۳. روابط اجتماعی ناسالم (گسست اجتماعی) ۷۲
- ۹_۳. کم فروغ شدن عواطف انسانی ۷۴
- ۱۰_۳. شیوع ناهنجاری های رفتاری ۷۸
- ۱۱_۳. انگیزه های غیر انسانی در روابط اجتماعی ۷۹
- ۱۲_۳. آسیب های سیاسی در عصرانتظار ۸۰
- ۱۳_۳. عدم تناسب سطح معارف منتظران با شرایط عصر حاضر ۸۲
- ۱۴_۳. ابهام در آثار روانی مهدویت ۸۳
- ۱۵_۳. انتظار منجی بدون تلاش برای تغییر ۸۵
- ۱۶_۳. بی تفاوتی منتظران در قبال زمینه سازی ۸۷
- ۱۷_۳. عدم پیروی از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۸۹
- ۱۸_۳. عدم تبیین مشکلات فقدان امام علیه السلام ۹۰
- فصل دوم: عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر ۹۴
- اشاره ۹۴
۱. عوامل درون فردی ۹۵
- ۱_۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم السلام ۹۵
- ۲_۱. فقر فرهنگی ۹۷
- ۳_۱. خودخواهی و دنیاگرایی ۹۸

- ۴_۱. اشتیاق غیر معقول ۱۰۱
۲. عوامل برون فردی ۱۰۳
- ۱-۲. عدم معرفت عمومی ۱۰۳
- ۲_۲. ضعف جامعه پذیری ۱۰۵
- مفهوم جامعه پذیری ۱۰۵
- ۲-۳. فقر و غنای مفرط اقتصادی ۱۰۷
- فصل سوم: آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر ۱۱۰
- اشاره ۱۱۰
۱. آسیب های فردی ۱۱۲
- ۱_۱. ترس از امام و آرمان های او ۱۱۲
- ۲_۱. گریز از امام و آرمان های او ۱۱۳
- ۳_۱. ترک وظایف و تکالیف انتظار ۱۱۵
۲. آسیب های اجتماعی ۱۱۷
- ۱_۲. ناامیدی افراد جامعه ۱۱۷
- ۲_۲. عدم پیروی از فقها و دانشمندان ۱۱۹
- ۳_۲. گسست میان نسل های تشیع ۱۲۳
- فصل چهارم: نقد و بررسی مستند آسیب ها در جامعه منتظر ۱۲۶
- اشاره ۱۲۶
۱. بازخوانی پرونده های مدعیان دروغین ۱۲۸
۲. عوامل انحراف مدعیان ۱۳۸
- اشاره ۱۳۸
- ۱_۲. اختلال روانی ۱۳۸
- ۲_۲. خود کم بینی و حقارت ۱۴۰
- ۲_۳. افراط و تفریط ۱۴۰
- ۲_۴. سوءاستفاده از نادانی ۱۴۱
- ۲_۵. زودباوری مردم ۱۴۲

۱۴۵	تحلیل نهایی
۱۴۹	اهداف و انگیزه‌ها
۱۵۱	شگردهای جذب مریدان
۱۵۳	اهم راهکارهای مقابله با مدعیان دروغین
۱۵۳	۱. اقدامات ایجابی
۱۵۴	۲. اقدامات سلبی
۱۵۴	اشاره
۱۵۵	دو نکته
۱۵۵	نتیجه گیری
۱۶۶	کتابنامه
۱۷۴	درباره مرکز

انتظار ۱۴: جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها/محمد میرتبار.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۶۲ص؛ ۲۰×۹س م.

فروست: انتظار؛ ۱۴

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول.

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۲۰۴۲۸

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها

سید محمد میرتبار

ص: ۲

جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها

مؤلف: سیدمحمد میرتبار

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

طراح و صفحه آرا: عباس فریدی

سال تولید: ۱۳۹۰

شمارگان: چهار هزار

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۲۴-۶

این کتاب با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

فهرست

چکیده ۶

پیشگفتار ۸

کلیات..... ۱۱

آسیب شناسی ۱۲

آسیب شناسی دینی ۱۳

آسیب شناسی مهدویت ۱۵

فصل اول: آسیب شناسی جامعه منتظر.. ۱۷

۱. مفهوم شناسی جامعه منتظر.. ۱۹

۲. آسیب های فکری و اعتقادی.... ۲۱

۲_ ۱. عدم درک صحیح از اضطرار به حجت... ۲۱

۲_ ۲. برداشت انحرافی از مفهوم غیبت... ۲۲

۲_ ۳. برداشت انحرافی از مفهوم انتظار. ۲۵

۲_ ۴. آمیختگی نشانه‌های ظهور با شرایط ظهور. ۲۹

۲_ ۵. زمینه سازی از راه گسترش ظلم و فساد. ۳۰

۲_ ۶. توقیت... ۳۳

۲_ ۷. تطبیق.. ۳۷

۲_ ۸. طرح مباحث غیر ضروری.. ۴۱

۲_ ۹. کوتاهی متولیان در ارائه معارف... ۴۳

۳. آسیب های رفتاری.... ۴۴

۳_۱. ایجاد هرج و مرج و بروز اختلافات شدید. ۴۴

۳_۲. استعجال. ۴۶

۳_۳. ظهور مدعیان دروغین.. ۴۹

۳_۴. ملاقات گرایی.. ۵۲

۳_۵. بروز کسالت، سستی و بی حالی.. ۵۶

۳_۶. نماد گرایی افراطی.. ۵۷

۳_۷. ارتباط گسسته و مقطعی.. ۶۰

- ۸_۳. روابط اجتماعی ناسالم (گسست اجتماعی) ۶۱
- ۹_۳. کم فروغ شدن عواطف انسانی.. ۶۳
- ۱۰_۳. شیوع ناهنجاریهای رفتاری.. ۶۷
- ۱۱_۳. انگیزه های غیر انسانی در روابط اجتماعی.. ۶۸
- ۱۲_۳. آسیب های سیاسی در عصرانتظار. ۶۹
- ۱۳_۳. عدم تناسب سطح معارف منتظران با شرایط عصر حاضر ۷۱
- ۱۴_۳. ابهام در آثار روانی مهدویت... ۷۲
- ۱۵_۳. انتظار منجی بدون تلاش برای تغییر. ۷۴
- ۱۶_۳. بی تفاوتی منتظران در قبال زمینه سازی.. ۷۶
- ۱۷_۳. عدم پیروی از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۷۸
- ۱۸_۳. عدم تبیین مشکلات فقدان امام علیه السلام. ۷۹
- فصل دوم: عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر.. ۸۳
۱. عوامل درون فردی ۸۴
- ۱_۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم السلام.. ۸۴
- ۲_۱. فقر فرهنگی.... ۸۶
- ۳_۱. خودخواهی و دنیاگرایی.... ۸۷
- ۴_۱. اشتیاق غیر معقول... ۹۰
۲. عوامل برون فردی ۹۲
- ۱-۲. عدم معرفت عمومی.... ۹۲

۲_۲. ضعف جامعه پذیری... ۹۴

مفهوم جامعه پذیری.. ۹۴

۲-۳. فقر و غنای مفرط اقتصادی... ۹۶

فصل سوم: آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر.. ۹۹

۱. آسیب های فردی ۱۰۱

۱_۱. ترس از امام و آرمان های او.. ۱۰۱

۱_۲. گریز از امام و آرمان های او.. ۱۰۲

۱_۳. ترک وظایف و تکالیف انتظار.. ۱۰۴

۲. آسیب های اجتماعی ۱۰۶

۱_۲. ناامیدی افراد جامعه.. ۱۰۶

۲_۲. عدم پیروی از فقها و دانشمندان... ۱۰۸

۳_۲. گسست میان نسلهای تشیع.. ۱۱۲

فصل چهارم: نقد و بررسی مستند آسیبها در جامعه منتظر.. ۱۱۵

۱. بازخوانی پروندههای مدعیان دروغین ۱۱۷

۲. عوامل انحراف مدعیان ۱۲۷

۱_۲. اختلال روانی.... ۱۲۷

۲_۲. خود کم بینی و حقارت..... ۱۲۹

۳_۲. افراط و تفریط.... ۱۲۹

۴_۲. سوءاستفاده از نادانی.... ۱۳۰

۵_۲. زودباوری مردم.. ۱۳۱

۳. تحلیل نهایی ۱۳۴

۴. اهداف و انگیزهها ۱۳۸

۵. شگردهای جذب مریدان ۱۴۰

۶. اهم راهکارهای مقابله با مدعیان دروغین ۱۴۲

۱. اقدامات ایجابی.... ۱۴۲

۲. اقدامات سلبی.... ۱۴۳

دو نکته. ۱۴۴

نتیجه گیری ۱۴۴

چکیده

جامعه منتظر، اجتماعی آرمانی است که مورد نظر اسلام می باشد؛ از این رو، آسیب شناسی آن نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این آسیب ها را می توان در گروه‌هایی چند، از جمله فکری و رفتاری در دو قلمرو فردی و اجتماعی جای داد. نفهمیدن درست بایستگی نیاز به حجت الهی، برداشت ناروا از مفاهیم غیبت و انتظار، آمیختن نشانه های ظهور با شرایط آن، پندار نادرست زمینه سازی ظهور از راه گسترش بیدادگری و فساد، زمان بندی ظهور، برابرسازی نشانه ها برافراد، طرح مباحث غیرضروری، کم کاری انسان‌های مسؤل در ارائه آموزه‌های وابسته به ظهور و... از دسته نخست، هرج و مرج زایی و اختلافات تند، شتاب ورزی در موضوع ظهور، آشکارشدن مدعیان دروغین مهدویت، ادعای دیدار با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بروز سستی و بی مسؤلیتی در جامعه منتظر، نمادگرایی افراطی، پیدایش انگیزه‌های غیرانسانی در پیوندهای اجتماعی، ناهمسانی آگاهی‌های منتظران با شرایط کنونی، ابهام در آثار روانی

مهدویت، انتظار رهایی بخش بدون اقدام به دگرگونی اوضاع جامعه، بی تفاوتی منتظران در باره زمینه سازی، پیروی نکردن از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، روشن نکردن دشواری‌های نبود امام و... از دسته دوم به شمار می‌آیند.

گفتنی است آسیب‌های یاد شده، پیامدهایی همچون فاصله‌گیری از آرمان‌های امام، کنار نهادن بایسته‌های انتظار، ناامیدی اجتماع و... را در پی دارد. برون‌رفت از آن‌ها نیز به عوامل درونی و بیرونی، مانند فراموش نکردن ولایت الهی و معصومان علیهم السلام، غنای فرهنگی، فزونی آگاهی‌ها و زدودن شبهه‌ها وابسته است. به یقین، کسب آگاهی و شناخت از پیش‌گویی‌های معصومان: در باب آسیب‌های زمان غیبت، باعث درک بهتر و عمیق‌تر جامعه منتظر می‌شود تا مردم، از شرور، در امان بمانند.

پیش‌گفتار

باور به آشکار شدن شخصیت رهاکننده انسان‌ها از زنجیره ستم و بیداد، پیشینه‌ای شاید به درازای عمر بشریت دارد. این اندیشه، همواره آماج آسیب‌هایی نیز بوده است. نخست باید به نارسایی‌های فرهنگی و اعتقادی جامعه منتظر به عنوان ریشه همه آسیب‌های مزبور اشاره کرد. از چنین ریشه‌ای، شاخه‌هایی چون رویش خزه‌وار گروه‌های مدعیان عرفان‌های دروغین و دراویش سرزده‌است. امیدزدایی هم از دیگر موارد قابل اشاره در این راستا است؛ به همین دلیل دشمنان اسلام، نظریه‌هایی از جمله «پایان تاریخ» و «جنگ تمدن‌ها» را به منظور انحراف افکار عمومی مطرح می‌کنند.

رواج اندیشه پلورالیسم (۱) دینی یا حقانیت همه ادیان، از سوی نظریه پردازان غربی نیز به دلیل تردیدزایی در زیرساخت‌های اعتقادی اسلام، می‌تواند در ردیف آسیب‌های یادشده جای گیرد.

رویکرد «مهدی نوعی» و اینکه این شخصیت حتماً فرد شناخته شده‌ای نمی‌باشد نیز، گام دیگری در ایجاد آسیب است.

پیوند نادرست میان سنت و مدرنیته نیز از دیگر آفت‌های این پدیده زیبای اسلامی است؛ چرا که گاه به دلیل در پی داشتن خود باختگی‌های فرهنگی در برابر تمدن و اندیشه‌های بیگانه، مفهوم انتظار را که ساحتی سنتی دارد، به حاشیه می‌رانند.

اعتقاد به حکومت عدل الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طرد و انکار هر نوع حکومتی پیش از ظهور، سبب نوعی انحصارگرایی در بعد سیاسی می‌شود و در نتیجه هیچ گونه تلاشی برای اصلاح امور و تشکیل حکومت عادلانه و اجرای احکام الهی صورت نمی‌گیرد. چنین ایده‌ای انسان را به گوشه نشینی و انزوا طلبی می‌کشاند یا به تمکین هر گونه حکومت طاغوتی و ستمکار منجر می‌شود.

در پدیده انتظار، سه عنصر وظیفه، نقش و کار نهفته است. [\(۱\)](#) بر اساس تیپ شناسی

۱- نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ص ۱۴۴.

گروه های اجتماعی نظریه کارکردگرایی، فقط مؤمنان و شیعیان واقعی که همسو با ثقلین حرکت کرده و هرگز از آن ها جدا نشده اند، دارای کارکردهای آشکار و مثبت انتظار هستند.

با توجه به منابع تاریخی و اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع اسلامی و با توجه به نوع نگرش و برخورد با مسأله انتظار، می توان آسیب های اجتماعی گوناگونی را شناسایی کرد.

بعضی از گروه های آسیب، در واقع اعتقاد به منجی و فرهنگ انتظار را که در فرهنگ دینی ما پذیرفته شده است، قبول ندارند؛ اما هدف و وسیله دیگری جایگزین آن کرده اند. آنان برای رسیدن به مقاصد خود و کسب پایگاهی مردمی به عوام... فریبی دست زده، ادعای مهدویت کرده اند. حمایت قدرت های استکباری نیز در اغلب اوقات، قابل مشاهده است که با این اوصاف باید با این منجیان دروغین مقابله کرد و آنان را به جامعه اسلامی شناساند.

ص: ۱۱

کلیات

اشاره

آسیب شناسی

بر اساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد، آسیب شناسی (۱)، مطالعه علمی آسیب ها، بیماری ها و اختلالات است. آسیب شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست شناختی است که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و یا مناسب منع شده است. (۲). امروزه، اصطلاح «آسیب شناسی» به عنوان معادل دقیق واژه انگلیسی خود یعنی Pathology به کار می رود. Patho به مفهوم بیماری و آسیب است که به هر وضعیت غیرعادی در بدن یا روان می گویند که باعث ناراحتی، سوء کارکرد

Pathology – ۱

۲- آسیب شناسی توسعه ی فرهنگ دینی، ص ۳۶-۳۷.

یا تنش در فرد مبتلا یا افراد در ارتباط با فرد مبتلا می گردد. (۱)

آسیب شناسی در همه رشته های علوم، اعم از کاربردی و انتزاعی، پایه و غیر پایه، تجربی و طبیعی، انسانی و غیر انسانی، و به ویژه در روان شناسی و تعلیم و تربیت کاربرد خاص خود را دارد. هدف اصلی از چنین مطالعاتی، تکمیل و تأمین فرآیندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب ها است.

آسیب شناسی دینی

آسیب شناسی دینی (۲) اصطلاح جدیدی در حوزه اندیشه دینی و به مفهوم شناخت آسیب ها و اشکالاتی است که به اعتقادات و باورهای دینی یا به آگاهی و معرفت دینی و علمی در یک جامعه دینی وارد می شود یا ممکن است وارد بشود. بر این اساس، شاید بتوان بررسی و شناخت اموری که با اصل دین و معرفت دینی در تضاد است را به عنوان

۱- ر.ک: «دانش نامه ویکی پدیا فارسی»، ویکی پدیا، نام پایگاه اینترنتی است که جیمی ولز در سال ۲۰۰۱م بنیان گذاری کرد
(www.wikipedia.org).

۲- Religious Pathology

عاملی که اساس دین را نشان‌رفته و به آن ضربه می‌زند آسیب‌شناسی دینی به معنای اخص کلمه‌ن امید و در مقابل، بر فرآیند شناخت مفاهیم و نگرش‌هایی که به عمل غیردینی دینداران منجر می‌شود، آسیب‌شناسی نگرشی (معرفت دینی) نام نهاد. قابل‌تذکر است که آسیب‌های دینی می‌تواند عوامل و منشأهای گوناگون داشته باشد؛ ولی مجموع آن‌ها در دو بعد ظهور می‌یابد: بُعد اول مربوط به عقاید و معرفت دین‌شناسان یا مدعیان دین‌شناسی و بعد دیگر مربوط به عمل و رفتار دینداران و متظاهران به دینداری است. (۱)

از این رو وجوه گوناگونی از آسیب‌های دین و دین‌داری بروزمی‌یابد که به عنوان نمونه می‌توان از این موارد نام برد: عدم فهم عمیق دین و سلوک دینی، دریافت نادرست مفاهیم دینی، ضعیف شدن باورها و رفتارهای دینی، سست‌شدن بنیادهای... اخلاقی، بی‌ارزش‌شدن ارزش‌های دینی، بی‌اعتقادی به دین و امور

۱- ر.ک: دژکام، علی، مقاله استاد مطهری و نسبیت معرفت دینی، مجله نقد، ص ۲۲۰-۲۳۳.

مذهبی، بی ایمانی، اباحی گری مذهبی، گریز از امور دینی و مذهبی و ظهور و بروز بدعت ها.

آسیب شناسی مهدویت

گاه به مسامحه و یا اشتباه، وقتی سخن از آسیب شناسی مهدویت به میان می آید، ممکن است برداشت شود که اساساً آموزه مهدویت و اندیشه نجات بخشی موعود اسلام که ریشه در قرآن (۱) و روایات قطعی اسلامی (۲) دارد، دچار آسیب است. در حالی که وقتی از آسیب های مهدویت و آسیب شناسی آن سخن می گوئیم، به تفاسیر غلطی که از این آموزه به وجود آمده و یا خرافاتی که در اذهان مردم نسبت به این حقیقت ایجاد شده است نظر داریم و گرنه اصل و اساس این بحث جزو

۱- کتاب المحججه فی ما نزل فی القائم الحجه نوشته علامه سیدهاشم حسینی بحرانی که توسط سیدمهدی حائری قزوینی به نام سیمای حضرت مهدی در قرآن ترجمه شده است، مجموعه کاملی از آیات قرآنی را معرفی می کند که به بحث مهدویت مربوط می شود.

۲- مجموعه هشت جلدی معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوره کاملی از روایات اسلامی پیرامون مهدویت می باشد که توسط مؤسسه المعارف الاسلامیه، مسجد مقدس جمکران به چاپ رسیده است.

حقیقی ترین و اساسی ترین بنیان های زندگی بشر به شمار می رود.

فصل اول: آسیب شناسی جامعه منتظر

اشاره

این بخش، عهده دار پاسخ به دو سؤال اساسی است. اینکه در متون و منابع اسلامی برای جامعه منتظر امام غایب، آسیبی ذکر شده است؟ با فرض ذکر این آسیب ها، مهم ترین آن ها در این عرصه چیست و به چه مواردی اشاره شده است؟ علاوه بر این، چه آسیبی هایی در باره روایات و آموزه های مربوط به انتظار ظهور امام به وجود آمده که به انحراف در برداشت ها و تفاسیر از آن ها انجامیده است؟

برای یافتن پاسخ این سؤالات و بررسی روایات مهدویت، کتاب های: کافی، غیبت نعمانی، کمال الدین شیخ صدوق و غیبت شیخ طوسی، به عنوان منابع اصلی و مجلدات ۵۱ تا ۵۳ کتاب بحارلأنوار، که به تبویب همان روایات

کتاب اصلی پرداخته است، منبع درجه دوم به شمار می آید.

این آسیب ها، در دو بخش آسیب های فکری و اعتقادی، و آسیب های هنجاری و رفتاری دسته بندی شده اند که در ادامه می آیند.

۱. مفهوم شناسی جامعه منتظر

جامعه منتظر، جامعه ای آرمانی است که می تواند زمینه ساز دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد؛ پس باید ویژگی هایی متناسب و منطبق بر فرآیند زمینه سازی، داشته باشد و براساس آن، برنامه ریزی و اقدام کند.

استاد شهید مطهری در توضیح معنای انتظار و بررسی ریشه قرآنی و روایی آن بیان مبسوطی دارد که خلاصه آن، چنین است:

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی و... به وسیله شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی از او به «مهدی» تعبیر شده است اندیشه ای است که کم و بیش، همه فرق و مذاهب اسلامی بدان مؤمن و معتقدند؛ زیرا این اندیشه، به حسب اصل و ریشه قرآنی است. این اندیشه،

بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است.

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده و عبادت _ بلکه افضل عبادت _ شمرده شده است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن، اصل «حرمت یأس از روح الله» است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی گردند. (۱)

بنابراینچه گفته شد، در معنای لغوی انتظار، آینده نگری نهفته است و در فرهنگ دینی، انتظار به معنای توقع پیروزی صالحان و حاکمیت خوبان در آینده جهان است؛ پس می توانیم نتیجه بگیریم مراد از جامعه منتظر، جامعه ای است که در سیر تاریخی و حرکت اجتماعی خود، چشم اندازی روشن را می بیند که در آن، به تمام خواسته های انسانی و ایده های دینی خود خواهد رسید و از متن قرآن و

۱- قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵_۷.

روایات برخاسته و شکل می گیرد؛ ولی شکل تکامل یافته جامعه اسلامی و شیعی است.

۲. آسیب های فکری و اعتقادی

۲_۱. عدم درک صحیح از اضطرار به حجت

با نگاهی گذرا به تاریخ پیامبران و اوصیای آنان، به خوبی روشن می شود که بسیاری از افراد به دلیل نا آگاهی و عدم درک صحیح از اضطرار به حجت، همانند مهربانی، منطق، حکمت و دیگر آثار حضور و قیام آن حضرت، نه از سر عناد و لجاجت، بلکه به دلیل عدم درک، با او به دشمنی پرداختند؛ یعنی به دلیل عدم شناخت جایگاه حضرت و حل نشدن مسأله اضطرار به حجت، به دشمنی بر می خیزند. در همین رابطه حضرت علی علیه السلام فرمود:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبتی خواهد داشت که جاهل گوید: «به آل محمد: نیازی نیست». (۱)

جایگزین کردن تجربه دینی و عقل، ابزاری به جای وحی، همه و همه از این توهم سر

چشمه می گیرد. البته این عدم درک صحیح از اضطرار به حجت، بیشتر به سبب تعجب بی جا است که از شنیدن حق و پذیرفتن آن، امتناع می ورزند.

۲_۲. برداشت انحرافی از مفهوم غیبت

مسأله غیبت امام دوازدهم شیعیان از زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مطرح بوده و به وسیله خود آن حضرت بارها و بارها به تعبیر مختلف بیان شده است؛

وضعیت و ماهیت این غیبت در روایات، به تصویر کشیده شده است؛ از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن خیردادن از فتنه غیبت و شرایط سخت آن، به وضعیت حضور امام غایب و رابطه او با مردمان اشاره می کند:

او کسی است که مردم را می شناسد؛ اما شناخته نمی شود و از آنجا که زمین از حجت خدا خالی نیست، خداوند به دلیل ظلم و گناه و اسراف مردم بر خودشان، آنها را در باره او نابینا ساخته است. نیز وضعیت او به مانند وضعیت یوسف نسبت به برادران او است. (۱)

همچنین از دو نوع این غیبت سخن به

میان آمده و بر همین اساس غیبت صغرا و غیبت کبرا برای امام غایب در نظر گرفته شده است. (۱)

اما آسیبی که در این میان امکان بروز می یابد، فرض کناره گیری امام از جامعه انسانی و انفعال او در برابر مردم است. در چنین فضایی ممکن است تصور شود امام به جغرافیای دیگری از عوالم مهاجرت کرده است و هنگام ظهور، از آن عالم مراجعت می کند که خیال بافی هایی از این دست با آنچه در روایات و آموزه های اسلامی درباره غیبت و ماهیت آن ذکر شده است، در تغایر می باشد.

مکتب شیخیه که در اوایل قرن سیزدهم به وسیله احمد بن زین الدین معروف به «شیخ احمد احسائی» (۱۱۶۶ - ۱۲۴۱ق) پدید آمد، نمونه ای از این جریانات انحرافی بود که در نهایت به شکل گیری باییت و بهائیت انجامید. معتقد بود امام زمان علیه السلام با بدنی غیر عنصری و تنها هور قلیایی و در شهر جابلقا و جابلسا زندگی می کند.

با بررسی اعتقادات این جریان فکری، گویای بطلان آن نزد علمای امامیه است و طبق نصوص قطعی، مهدی موعود علیه السلام در همین عالم خاکی و در بدن عنصری است و به زندگی طبیعی خود به حفظ الهی، ادامه حیات می دهد؛ تا آنکه مشیت خداوند بر قیام و ظهور او تعلق گیرد.

در حقیقت، اعتقاد به حیات امام زمان علیه السلام با بدن هورقلیایی، به معنای انکار حیات مادی امام زمان علیه السلام بر روی این زمین است. و حیات او مثل حیات مردگان، در عالم برزخ است که هیچ مبنای روایی و مستند دینی نداشته، با روایات معروف و اصیلی که استمرار زندگی زمین و هستی را منوط به حضور حجت خدا در آن می داند (۱) به هیچ روی، سازگار نیست.

همچنین در روایت دیگری که کیفیت حضور ایشان در عصر غیبت را توضیح می دهد، چنین آمده است:

صاحب الامر، میان مردم رفت و آمد می کند، به

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، باب ان الارض لاتخلو من حجه، چهار روایت پایانی اشاره به همین مضمون دارد.

بازارهایشان می رود و بر فرش هایشان قدم می نهد؛ ولی او را نمی شناسند. (۱)

۳_۲. برداشت انحرافی از مفهوم انتظار

از مفاهیمی که برداشت های مختلفی از آن در ادبیات و آموزه های مهدوی مطرح شده است، انتظار ظهور و فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. به واسطه همین تعدد برداشت ها و اختلاف تفاسیر، امکان بروز آسیب دیگری برای افراد و جامعه منتظر به وجود می آید که در آن، مفهوم انتظار از معنای اصلی خود تهی شده و معنای دیگری درک و فهم می گردد.

انتظار، از یک سو به معنای چشم به راه بودن، امید به آینده داشتن و آماده شدن است و از سوی دیگر به درنگ در امور، نگرهبانی و مراقب بودن و استقامت ورزیدن اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، انتظار (۲) در وجهی از معنای خود به توقف، تلوم و تلبث می رسد و با مهمل گذاردن، مترادف می گردد و در وجه دیگری از معنا به تهبأ، توقع، تجهیز و

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۶۴.

۲- التَّنَظُّرُ: تَوَقَّعُ الشَّيْءِ - ابن سیده: وَ التَّنَظُّرُ تَوَقُّعٌ مَا تَنْتَظِرُهُ. (لسان العرب، ج ۵، ص ۲۱۸)

آماده باش دلالت می کند. این دو معنا، در روایات نیز به چشم می خورند.

دسته ای دیگر از روایات به جست و جوی امر ظهور و توقع آن در نزدیکی اشاره داشته و شیعیان را به توقع امر فرج ترغیب می کند. نیز آنان را از بی توجهی و بی مبالا-تی در باره امر ظهور و آمادگی نسبت به آن برحذر داشته و این امر را مورد غضب خداوند تلقی کرده اند.^(۱)

دو معنای سلبی و ایجابی درباره انتظار، به دو گونه تفسیر و برداشت از آن انجامیده است که بیش از بعد فردی، به ایجاد تفاوت هایی در ابعاد اجتماعی انتظار انجامیده است.

گروهی که انتظار را به معنای صبر و تحمل روزگار غیبت دانسته، روی خوشی به حرکت های اصلاحی و ایجابی نشان نمی دهند، با تمسک به روایاتی که بر افراشته شدن هر گونه قیام و پرچمی را قبل از ظهور امام محکوم و باطل می دانند و^(۲) تلاش برای برپایی حکومت اسلامی در عصر غیبت را

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۴.

۲- غیبت نعمانی، ص ۱۱۵.

برتافته، این مسأله را جزء شئون امام می دانند و به زمان ظهور ایشان موکول می کنند.

آنچه در این رابطه از روایات اسلامی برداشت می شود، گویای آن است که انتظار، یک عمل و یک اقدام است: «أفضل أعمال شیعتنا انتظار الفرَج» (۱) و صرفاً به یک حالت روحی و روانی محدود نمی شود؛ از این رو فروکاستن انتظار به وضعیتی منفعلانه که با نفی هر گونه اصلاح و تغییر همراه باشد، با روح این آموزه که می باید در عمل محقق شود، منافات دارد.

سنت های الهی و تجربه های امت های پیشین در رابطه با انتظار موعود، گویای آن است که در صورت تسلیم اراده مؤمنان و منتظران برابر خواست خدا و استقبال از آن، امر ظهور، نزدیک تر شده و شدت و محنت غیبت از بین می رود. (۲)

از این رو درمسأله انتظار، روایاتی که به تأمل، صبر و اعراض از امور ایجابی اشاره

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۲۴.

دارند، در مقام انذار و هشدار درباره اراده الهی هستند. در طرف مقابل، دسته ای دیگر از روایات که به توقع و تهبأ و زمینه سازی مربوط می شوند و بر ابعاد ایجابی انتظار تأکید می کنند، به حوزه اراده انسانی مربوط می شوند و گویای این مهم هستند که خواست خداوند بر غیبت امام تعلق گرفته است؛ اما انسان های مؤمن می باید با حفظ اعتقاد صحیح خود و رعایت ورع، به انجام واجبات و ترک محرمات فردی و اجتماعی بپردازند و از زیر بار این مسؤولیت بزرگ شانه خالی نکنند.

همچنین درباره روایاتی که به نهی از قیام قبل از ظهور امام، اشاره می کنند، با مطالعه روایت: «کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت»^(۱) مشخص می شود که منظور، پرچم ها و قیام هایی است که ادعای امامت و مهدویت دارند، نه آن ها که به زمینه سازی برای ظهور و حکومت معصوم دعوت می کنند؛^(۲)

۱- غیبت نعمانی، ص ۳۱.

۲- برای مثال، فصل پنجم از کتاب غیبت نعمانی تحت عنوان «باب ما روی فیمن ادعی الإمامه و من زعم أنه إمام و لیس یامام و أن کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت» باب بندی شده است و در ضمن روایاتی که به مجازات مدعیان دروغین امامت اشاره می کند، روایات مربوط به برافراشتن پرچم ها قبل از قیام قائم نیز آورده می شود.

۴_۲. آمیختگی نشانه‌های ظهور با شرایط ظهور

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرایط و نشانه‌هایی دارد که از آن‌ها به عنوان زمینه‌های ظهور و علایم آن یاد می‌شود. تفاوت این دو آن است که زمینه‌ها در تحقق ظهور، تأثیر واقعی دارند؛ به گونه‌ای که با فراهم شدن آن‌ها، ظهور امام اتفاق می‌افتد؛ ولی علایم در وقوع ظهور نقشی ندارند؛ بلکه تنها نشانه‌هایی هستند که به وسیله آن‌ها می‌توان به اصل ظهور یا نزدیک شدن آن پی برد.

یکی از آسیب‌های فکری در جامعه منتظر، خلط میان این دو مقوله است؛ یعنی امت منتظر دچار برداشت غلط می‌شوند و به جای فراهم کردن شرایط و زمینه‌های ظهور، به دنبال پی‌گیری علایم ظهور می‌باشند، درحالی‌که بر اساس تعالیم قرآن و پیشوایان معصوم، سنت الهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و

اسباب عادی انجام گیرد. (۱)

بنا بر این جامعه منتظر باید زمینه های ظهور را بشناسد و در راه تحقق آن، گام بر دارد؛ نه این که وقت خود را صرف پیدا کردن تعدادی از حوادث کنند؛ مانند: خروج سفیانی، خسف بیداء، خروج یمانی، صیحه آسمانی، دجال، قتل نفس زکیه که هیچ نقشی در وقوع ظهور ندارند؛ لذا میان شرایط و علایم، فرق های زیادی وجود دارد.

۵_۲. زمینه سازی از راه گسترش ظلم و فساد

در ادامه برداشت غلط از مفهوم انتظار، شبهه دیگری امکان بروز می یابد که ناشی از همان بی دقتی و انحراف از اصل انتظار است؛

این گزاره که «ظهور امام موعود با اصلاح جهان از فسادها و ظلم ها همراه خواهد بود و پایان این تباهی ها و نابهنجاری ها به دست ایشان رقم خواهد خورد» سبب شده است برخی گمان برند، قبل از ظهور ایشان هر تلاش و کوششی برای اصلاح امور بی نتیجه

۱- امام صادق ع فرمودند: «یأبی الله الا آن تجری الامور باسبابها» خداوند امتناع دارد. از اینکه امور اجز از راه اسباب آن فراهم آورد. «شرح اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۸.

بوده و نسبت به این گونه مسایل حساسیتی ابراز ندارند. این بی توجهی سبب به وجود آمدن این ذهنیت شده که منتظران ظهور امام برابر تباهی ها و ناهنجاری های پیش آمده در عصر غیبت و فتنه های آخرالزمان، وظیفه ای ندارند و این رویه تا آنجا ادامه یافته که شایعه ای مبنی بر ترغیب به ترویج بدی ها و زشتی ها، برای ایجاد زمینه ظهور موعود، از سوی عده ای افراد جاهل و منحرف شنیده شده است.

در واقع، اینکه ظهور حضرت پس از پرشدن دنیا از ظلم و جور است، با عملکرد منتظران ارتباط منطقی ندارد و به نظر می رسد نوعی مغالطه در این میان به وجود آمده است؛ به عبارت دیگر ظهور حضرت پس از پرشدن عالم از ظلم و جور است؛ اما عکس این گزاره صحیح نیست و نمی توان معتقد شد راه تحقق ظهور امام، گسترش ظلم و جور می باشد و بر این اساس با ترویج ظلم و فساد، به استقبال ظهور شتافت.

بر این اساس، تفسیری که درباره بی تفاوتی در میان شیوع ظلم و فساد و یا کمک به ترویج آن شکل گرفته است، از این

پندار ناشی شده که شیوع ظلم، علتِ ظهور و نه نشانه آن است؛ حال آنکه علتِ ظهور به فراهم شدن مقدمات و از بین رفتن موانع این واقعه مبارک مربوط می شود و به طور کلی در اختیار و در گرو اراده پروردگار است.

برای توضیح تفاوت نشانه‌ها و شرایط (علل) ظهور امام مهدی علیه السلام، می توان از یک تمثیل بهره برد. فرض کنید در یک ایستگاه قطار، تابلویی درست کرده اند که چند دقیقه قبل از ورود هر قطار به ایستگاه، آمدن آن را اعلام می کند و البته بعد از این اعلام، قطار به ایستگاه وارد می شود. این اعلام، علامت آمدن قطار است و نه علت آمدن آن و اگر ما بخواهیم به آمدن قطار کمک کنیم، باید به موتور محرک آن و از بین بردن موانعی که در مسیر آن وجود دارد و نه به دست کاری کردن در تابلوی مذکور بیندیشیم.

دیگر اینکه بر فرض، ظهور امام از طریق گسترش ظلم و فساد، اولاً چه تفاوتی میان به اصطلاح منتظران و افراد آلوده به معاصی و مظالم وجود خواهد داشت؟ و ثانیاً امام با افرادی که در سیاهی ها و ظلمت های عصر غیبت مشارکت جسته اند، چگونه برخورد خواهد کرد؟

آموزه های قرآنی بر این مطلب اشاره دارند که جریان مقابله با ظلم و طاغوت می باید توسط خود انسان ها انجام پذیرد. «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۱) و این آن ها هستند که باید برابر ظلم بایستند؛ ولی جریان اصلاح نهایی و ریشه ای و فراگیر ظلم و ستم در هستی، تنها به دست امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد.

۶_۲. توقیت

از آسیب هایی که به طور جدی افراد و جوامع منتظر را تهدید می کند و صریحاً در روایات اهل بیت: به آن اشاره شده، «توقیت» است. این مفهوم از نظر لغوی به معنای مشخص کردن زمان و محدود نمودن آن برای یک شیء می باشد (۲) و در اصطلاح به تعیین زمان ظهور امام غایب گفته می شود.

۱- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. (سوره حدید (۵۷): ۲۵).

۲- فالتَّوْقِيْتُ والتَّأْفِيْتُ: أَنْ يُجْعَلَ لِلشَّيْءِ وَقْتُ يَخْتَضُّ بِهِ، وَهُوَ بَيَانُ مَقْدَارِ الْمِدَّةِ. (لسان العرب، ج ۲، ص ۱۰۷) _ و التَّوْقِيْتُ: تحديداً الأوقات. (لسان العرب، ج ۲، ص ۱۰۸).

پیش تر گفتیم که زمان ظهور امام مشخص نیست و علم آن تنها در اختیار خداوند متعال است. آسیبی که در مسأله توقیت نهفته است، همچون برداشت انحرافی از انتظار، به خلط و دخالت اراده الهی و اراده انسانی مربوط می شود. در واقع، همان گونه که رقم خوردن وضعیت غیبت به اراده الهی مربوط می شود هنگامه قیام و ظهور حضرت صاحب علیه السلام نیز تنها بر اساس اراده الهی مشخص شده و به صورت ناگهانی و دفعی به وقوع خواهد پیوست. (۱)

بی زمانی و دفعی بودن زمان ظهور، به طور صریح در روایات ذکر شده است که در قالب انتظار صبح و شام از آن یاد شده (۲) است. نیز در ادعیه ای که در باب فرج و انتظار موعود وارد شده، به مانند هنگامه قیامت و مشابه با

۱- قابل توجه است که در روایات معصومان این چنین آمده که زمان وقوع امر فرج برای امامان معلوم بوده است که با تغییر آن و حصول بداء در این باره، زمان دیگری برای ایشان مشخص نشده و علم آن تنها در اختیار خداوند است. (کافی، ج ۱، ص ۳۶۸).

۲- غیبت نعمانی، ص ۱۵۹.

آن، اشاره شده است. (۱) در این راستا، واکنش صحیح این است که برابر اراده الهی تسلیم بوده و به جای سعی در دخالت و تغییر مقدرات پروردگار به وظایف خود مشغول شد و در مسیر فهم و به کار بستن اوامر و دستورات خداوند قرار گرفت.

هنگامی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در باره قائم سوال می کند، امام در پاسخ می فرماید:

تعیین کنندگان وقت دروغگو هستند و ما خاندانی هستیم که تعیین وقت نمی کنیم. (۲)

علاوه بر این، معصومان: امر فرموده اند که هر کس چنین نسبتی به آنان روا داشت، تکذیب شود. (۳) ایشان ضمن خودداری از تعیین وقت، امر ظهور را موکول به زمانی دانسته اند که نشانه هایی پدیدار شود و از این رو باب توقیت و تحدید زمان را بسته اند. (۴)

۱- مصباح کفعمی، ص ۱۷۷.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۸۹.

۴- غیبت نعمانی، ص ۲۹۰.

در نگاهی دیگر اساساً توقیت، هیچ گاه به نتیجه نخواهد رسید؛ چرا که تعیین کنندگان وقت ظهور، سعی در مشارکت در علم الهی را دارند. از سوی دیگر، خداوند از طریق تغییر در زمان هایی که توسط مردم مشخص می شوند و توقع وقوع امر پروردگار در آن ها بیشتر است، به آزمایش ایشان می پردازد و زمان تعیین شده را تغییر می دهد. (۱)

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: هنگامی که حضرت موسی علیه السلام برای پیغام بردن نزد پروردگار خود رفت، قوم خود را به سی روز وعده داد و چون خداوند ده روز بر این ایام افزود، قوم او گفتند: «موسی با ما خلف وعده کرد» و از این رو به انحراف گرایدند. پس از ذکر این مطلب، امام باقر علیه السلام فرمود:

اگر ما به شما خبری دادیم و طبق گفته ما شد، بگویید خدا راست فرموده است و اگر به شما

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۶۸؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۰. بر این اساس بداء صورت می گیرد و زمان واقعی یک امر به آگاهی بندگان نمی رسد تا با رسیدن به آن زمان و عدم وقوع آن امر، مردمان آزمایش شده و مؤمنان از کافران جدا شوند.

خبری گفتیم و برخلاف گفته ما واقع شد، بگویید خدا راست فرموده تا دو پاداش گیرید. (۱)

مشاهده می شود که امام معصوم، ضمن این بیان به اراده الهی و نحوه رویارویی با انکشاف این اراده، اشاره فرموده اند.

توقیت در زمان غیبت امام غایب هیچ ثمره مفیدی نخواهد داشت و در نهایت به هلاکت شخص وقت گذار منتهی می شود و با گذشت زمان، تکذیب آنان را همراه خواهد داشت. در روایات نیز آمده است غیبت، به حیرت جاهلان، هلاکت مبطلان و تکذیب وقاتون می انجامد (۲).

کمترین اثر توقیت، بروز احساس ناامیدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده ولی خلاف آن را مشاهده کرده اند.

۷_۲. تطبیق

تطبیق یعنی مطابقت دادن نشانه های ظهور بر وضعیت هر زمان؛ به این معنا که

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.

عده ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن‌ها را بر افراد یا حوادثی خاص تطبیق می‌دهند، بدون تشخیص صحیح بودن آن‌ها و بدون بررسی آیات و روایات دیگر. با اینکه در روایات، تشخیص نشانه‌ها و علایم سپاه حق و باطل، به عهده علمای راستین گذاشته شده است؛ همان‌ها که در عصر غیبت کبرا به عنوان نواب عام، عهده دار امور گشتند.

متأسفانه در زمان ما، هر از چند گاه، به بهانه ایجاد شوق ظهور، موجی انحرافی فضای فکری و رفتاری مردم را دچار تشویش کرده، با ایجاد برخی انتظارات و توقعات کاذب، آسیب جدی به جامعه منتظر می‌زند.

مباحث مهدویت، مانند دیگر معارف دینی، از پشتوانه عقلی و نقلی برخوردار است و کسی در نقل روایات حق ندارد بدون توجه به ضعف سند و اشکال در محتوا و متن حدیث، آن را دستمایه حرف‌های خود قرار داده و نشانه‌های ظهور را [بدون در نظر گرفتن نشانه‌های حتمی و غیر حتمی] بر افراد مختلف و حوادث زمان تطبیق دهد.

به نقل روزنامه جمهوری اسلامی، کتاب

دهه ظهور در سه هزار نسخه در سال ۸۴ ش نوشته شده و مجوز چاپ می‌گیرد. در آن کتاب، سید حسنی، سید خراسانی، یمانی و سفیانی بر افراد مختلف تطبیق داده می‌شود و گفته می‌شود که تا پایان دهه (۸۰) امام ظهور خواهد کرد. دهه ۸۰ به پایان رسید و دهه ۹۰ شروع شده است. اکنون نویسنده آن کتاب چه پاسخی برای مردم دارد؟ تکلیف باورها و اعتقادات مردم چه می‌شود؟ شخص دیگری در تریبون عمومی به صراحت به مردم خطاب می‌کند: «شما را به خدا قسم! وقتی خدمت آقا مشرف می‌شوید سلام ما را هم به ایشان برسانید». این، مصداق بارز جنگ نرم است؛ جنگ نرم، جنگی است که ریشه اعتقادات را سست می‌کند و مقوله مهم و بزرگ و سرنوشت سازی مانند اعتقاد به وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را تا این اندازه کوچک و سست جلوه می‌دهد و راه را برای دشمنان دین باز می‌کند. (۱)

بار دیگر فیلم یک ساعت و پانزده دقیقه‌ای

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۹۱۵۵، سال سی و دوم، شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۰. سرمقاله «جنگ نرم این است».

تهیه می‌شود و به صورت لوح فشرده در سطح کشور پخش می‌گردد و برای اثبات اینکه در چند سال آینده ظهور اتفاق می‌افتد، نشانه‌های ظهور را بر افرادی تطبیق می‌کند؛ برای مثال، شعیب بن صالح را در این فیلم، به فردی منطبق می‌کند که قبل از این در طی سی سال بعد از انقلاب اسلامی ایران، بر سه نفر تطبیق داده شده است و معلوم نیست در آینده به چه اشخاصی نسبت داده خواهد شد، در صورتی که درباره شعیب بن صالح که به عنوان نشانه ظهور مطرح شده است، حتی یک روایت صحیح و قابل اعتماد به صورت تفصیلی نداریم. آیا طرح این گونه سخنان و مباحث غیر ضروری، باعث ناامیدی و بی‌اعتمادی مردم نمی‌شود؟ تطبیق به عنوان قطع و یقین مشکل است. ما اصولاً منتظر امام هستیم، نه منتظر علامات؛ به خصوص اگر از علایم و نشانه‌های غیر حتمی باشد (یعنی امکان عدم وقوع آن باشد). به یقین این اتفاقات، مصداق بارز حوادث واقعه است که طبق دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید به علما و مراجع رجوع کرد. نظر مبارک آنان، ملاک عمل است و علما هم به اجماع، این گونه

مسائل تطبیقی را برای امت اسلام خطری بزرگ دانسته‌اند.

روایاتی که فرمان می‌دهند مردم در امور گوناگون باید به فقها رجوع کنند، بیانگر این راهکارند که در باره علایم و اشخاص بیان شده در روایات، باید به آنان مراجعه کرد و از تطبیق ناصواب دوری جست.

تطبیق، پیامدهایی چون توقیت و تعجیل دارد. همچنین به دلیل عدم تحقق تطبیق‌های مطرح شده، باعث بی‌اعتقادی افراد به اصل ظهور می‌گردد و افراد، در اصل ظهور و روایات، به شک و تردید می‌افتند. ریشه‌ها و زمینه‌های این آسیب، توهم زدگی، هوا و هوس، دخالت افراد غیر متخصص در مسائل فنی، عدم روشنگری کافی توسط علما، عدم تبیین علایم حتمی و نداشتن واکنش مناسب در مقابل مدعیان می‌باشد.

۸_۲. طرح مباحث غیر ضروری

از آسیب‌هایی که ممکن است جریان آموزش و ترویج معارف دینی و به طور خاص، آموزه‌های مهدوی را تحت تأثیر قرار دهد، طرح مباحث و جزئیات غیر ضروری و اصرار بر پی‌جویی آنان است، که پیگیری آن‌ها نه تنها

سودی نداشته بلکه ممکن است به سبب اتلاف وقت آسیب زا باشد. (۱)

برای نمونه، پرداختن به مباحثی چون مکان دقیق زندگی امام در عصر غیبت، جزئیات مربوط به ازدواج و خانواده ایشان، و پیگیری جزئیات مربوط به سلاح و ادوات جنگی و شکل و شمایل یاران و دشمنان ایشان و مسایلی از این قبیل، فرهنگ انتظار را از روح اصلی خود که بر اساس معرفت امام و اراده الهی در هدایت تاریخی بشر شکل گرفته است، جدا می سازد.

دامن زدن به چنین مباحثی، باعث می شود آموزه های اصلی فرهنگ مهدوی، رفته رفته در حاشیه قرار گرفته و به سبب جذابیت کاذبی که این مسایل به وجود می آورد، آسیب ها و انحرافات در سطح جامعه منتظر ایجاد شود. حال آنکه در هیچ روایتی از معصومان علیهم السلام به شناخت این مسایل و اصرار در پرداختن به آن ها اشاره نشده است و بر عکس به لزوم کسب معرفت به امام و ارتقای بصیرت در برابر فتنه ها و شرایطی که

۱- نهج البلاغه، ص ۳۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۹.

در زمان غیبت به وجود آمده، تأکید شده است.

۹_۲. کوتاهی متولیان در ارائه معارف

ناکامی بشر، از نابالغی او سرچشمه می‌گیرد و از آن جایی که «لم یُمثّل امرُ رسول الله ۶ من الهادین بعد الهادین» (۱) دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را درباره‌ی جانشینانش، یکی پس از دیگری پیروی نکردند. بلکه «والأُمّیه مُصرّةٌ علی مَقته» (۲) و امت به دشمنی با آنان پافشاری ورزیدند. با نگاهی گذرا به مجموع روایات، چالش‌های چهارگانه «فترت»، «حیرت»، «فتنه» و «یأس» را در عصر غیبت می‌توان به تأمل و دقت کشانید.

عالمان در عصر غیبت با «دعوت» خویش به مصاف «فترت» می‌روند و در حد و اندازه خود آن را پوشش می‌دهند و با «دلالت» خویش به مصاف «حیرت‌ها» می‌روند و حیرت‌زدایی می‌کنند و با «ذّب و دفاع» به مصاف فتنه‌ها می‌روند و گره‌های کور آن را از

۱- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

ذهن، دل و دست و پای مردم می گشایند، تا امواج طوفان فتنه ها ایشان را در شهوات و شبهات فرو نبرند، و با «انقاذ و نجات» خویش به مصاف «یأس» می روند تا آن ها را از قعر هلاکت برهانند.

لذا وظیفه عالمان در عصر غیبت، ترویج و توسعه معارف مهدویت و گل واژه انتظار است. ضعف و ناکارآمدی روش های انتقال پیام و عدم بهره گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاع رسانی در جهت فرهنگ سازی مهدویت می تواند در جایگاه یک آسیب، حیات پویای جامعه منتظر را تحت تأثیر قرار دهد؛ از این رو شایسته است متولیان امر شناخت و ترویج فرهنگ مهدوی در این زمینه نیز کوشا بوده، به نوآوری و اصلاح روش های گذشته پردازند.

۳. آسیب های رفتاری

۱_۳. ایجاد هرج و مرج و بروز اختلافات شدید

عصر غیبت، آنچنان که در روایات اشاره شده است، سرشار از حیرت و سرگردانی است. دلیل عمده این وضعیت به عدم ظهور امام و محرومیت شیعیان از این برکت باز می گردد؛

سختی آزمون غیبت و عمق فتنه‌هایی که در آن رقم می‌خورد، در روایات مورد اشاره قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه السلام در ذکری از امام موعود، از آزمونی دشوار و رخدادی غمبار خبر می‌دهد که در آن، اعتقاد مردمان به امام عصر علیه السلام به مخاطره می‌افتد؛ آن حضرت می‌فرماید:

آگاه باشید... خداوند حتماً مردی از فرزندان مرا در آخرالزمان برمی‌انگیزد که انتقام خون ما را می‌ستاند. بی‌تردید او از میان مردم غایب می‌شود؛ برای آنکه گمراهان از صف راه یافتگان جدا شوند و این غیبت آن چنان به درازا می‌کشد که فرد نادان به این باور می‌رسد که می‌گوید خداوند [در برپایی دین و استواری آیین] هیچ حاجتی به آل محمد ندارد. (۱)

حیرت و سرگشتگی ناشی از غیبت، به اختلاف و چندپارگی اعتقادات و مذاهب فکری منتج می‌شود.

این وضعیت ریشه در امتحان و آزمونی دارد که در نتیجه، افراد نیک و بد از یک دیگر جدا شده تا منتظرانی که به راستی در

۱- «نهج البلاغه»، ص ۱۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۲.

مسیر صحیح انتظار قرار گرفته اند از دیگران متمایز گردند.

در روایتی آمده است: «ممکن است انسان در فاصله صبح تا شام یا شب تا بامداد، دین خود را از دست بدهد و از مسیر امر معصوم خارج شود.»^(۱) با این توضیح به نظر می رسد شناخت چنین وضعیتی و تلاش برای دور ماندن از آسیب های آن، امر مهمی در حیات جامعه منتظر به شمار آید.

۲_۳. استعجال

از آسیب های جدی دیگر که متوجه جامعه منتظر است، استعجال ظهور می باشد. استعجال از ریشه «ع ج ل» و به معنای عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت و تحقق زمینه های لازم برای آن است.^(۲) انسان های عجول به دلیل ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود

۱- نهج البلاغه، ص ۲۰۷.

۲- عجل: العَجَلُ و العَجَلَه: السَّرْعَةُ خِلاَفَ البُطْءِ. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۲۵ _ الاِسْتِعْجَالُ و الإِعْجَالُ و التَّعَجُّلُ وَاوْحَدٌ: بِمَعْنَى الاِسْتِحْثَاتِ و طَلَبِ العَجَلِ. استعجلته: طلبت عجلته. (مجمع البحرين، ج ۵، ص ۴۱۹).

را از دست می دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت، انسان و جامعه منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می کند؛ ولی هرگز عجله نمی کند. هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار، طولانی شود باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی دهد؛ بلکه در برابر اراده پروردگار و خواست او، کمال تسلیم را از خود نشان می دهد و برای تحقق همه زمینه های لازم برای ظهور می کوشد و بردباری می کند.

در مقابل، ممکن است عده ای در صدد استعجال برآمده و بی توجه به اراده الهی و مصالح بزرگ تاریخی و جهانی که ظهور موعود به آن ها نظر دارد، خواستار ظهور آن حضرت باشند. نتیجه قطعی چنین رویکردی، بدون شک هلاکت و اضمحلال است. آن چنانکه در روایات اسلامی آمده است، مُتَمَنِّون و کسانی که در مورد امر خداوند استعجال می ورزند و برابر اراده الهی تسلیم نیستند، پیش از آنکه به مطلوب خود راه یابند و ظهور را درک کنند، هلاک می شوند. در مقابل،

آن ها که اهل صبر و تسلیم بوده و به مرتبه ایمان راه یافته اند _ هرچند گروه کمی را شامل می شوند _ پایدار می مانند. (۱)

از این رو استعجال به عنوان یکی از آسیب های جامعه منتظر، در روایات معصومین: مورد نکوهش و تقبیح قرار گرفته است.

امام صادق علیه السلام در پاسخ مهزم اسدی که از زمان وقوع امر ظهور پرسیده بود فرمودند:

ای مهزم! آرزوگرایان، دروغ می گویند و آنان که استعجال می ورزند هلاک می شوند و تسلیم شوندگان نجات می یابند و به سوی ما باز می گردند. (۲)

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن دلیل است که به دنبال عجله، روحیه یأس و نومیدی در انسان منتظر پیدا می شود، آرامش و صبوری را از دست می دهد و حالت تسلیم او به حالت گله مندی و شکایت تبدیل می شود و از تأخیر ظهور، بی قرار می گردد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: *اتى امر الله*

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۹۶.

۲- غیبت نعمانی، ص ۹۸.

فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ (۱)؛ «هان امر خدا رسید، پس در آن شتاب مکنید» که حاکی از سستی الهی است، فرمود: «این همان امر موعود ماست که به استعجال در نمی آید». (۲)

روایات دیگری به راه نجات از استعجال نیز اشاره کرده است. مضمون کلی این روایات، به روح انتظار و ارزش و فضیلت آن باز می گردد. امام صادق: فرمود:

کسی که در این انتظار و بر مسیر آن بمیرد، مانند کسی است که در خیمه امام منتظر بوده باشد. (۳)

۳_۳. ظهور مدعیان دروغین

در زمینه ای که حیرت و سرگشتگی ناشی از غیبت امام آشکار می شود و جغرافیای فکری و فرهنگی، جوامع مسلمانان را در برمی گیرد، زمینه سوءاستفاده برخی افراد سودجو و کم اطلاع فراهم آمده تا با دعوی امامت و مهدویت، افکار و گرایش های پاک مذهبی مردم را به سوی خود جلب کنند و

۱- سوره نحل (۱۶): آیه ۱.

۲- غیبت نعمانی، ص ۱۹۸.

۳- غیبت نعمانی، ص ۱۹۸.

چند زمانی بر مسیر اهداف و مطامع خود پیش روند؛ از این رو شاید بتوان آسیب عمده دیگر جامعه منتظر را گرفتاری در دام مدعیان دروغین مهدویت دانست.

تاریخ اسلام نشانگر آن است که افراد بسیاری به دلیل دستیابی به قدرت و یا به دلیل هدف شخصی خاصی از عنوان مقدس مهدی موعود: سوء استفاده کرده اند. این سوء استفاده از همان قرن اول هجرت آغاز شد و در دوره خلافت عباسیان _ از سال ۱۳۲ هجری قمری به بعد _ به اوج خود رسید. البته این موضوع نه تنها به اصل مطلب و قیام با شکوه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آسیبی نمی رساند؛ بلکه بیانگر اصالت و واقعیت و ریشه داری آن در سنت و آموزه های اسلامی است.

جدای از برخی نهضت های جهان اسلام که جنبه حق طلبی داشته و ربطی به مسأله آسیب های اجتماعی سیاسی ندارد _ مانند زید بن علی بن حسین علیه السلام که خود ادعایی نداشت اما پیروان او وی را منجی موعود خواندند و پیروان مختار بن ابی عبیده

ثقفی هم وی را منجی خواندند و همینطور، مهدویت را به محمد بن حنفیه نسبت دادند و مختار را نایب او معرفی کردند _ نوعی از نهضت ها با نام مهدویت پدید آمده اند. از مهم ترین آن ها می توان به نهضت های محمد نفس زکیه، مهدی عباسی (عباسیان)، عبدالله بن میمون، عبدالله المهدی (فاطمیون)، حسن شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال عبرتائی، محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج، محمد بن علی شلمغانی، ابودلف کاتب، محمد بن احمد بغدادی، محمد بن عبدالله تومرت (موحدون)، شیخ شرف الدین (قیام مردم فارس)، سید محمد مشعشع (قیام خوزستان)، محمد مهدی سنوسی، محمد احمد سودانی، (مهدیون سودان، محمد بن احمد بن عبدالله سودانی). غلام احمد قادیانی (قادیانیه، احمدیه)، سید علی شیرازی (بابیت)، میرزا حسینعلی بهاء (بهایبی گری)، مهدی گُرد و محمد بن عبدالله قحطانی (عربستان) اشاره کرد.

روایات، هرگونه ادعای دروغین مربوط به امامت را محکوم کرده و بنا به مستندات

قرآنی، مجازات سختی برای این امر در نظر گرفته اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه شصت از سوره زمر آمده است که:

مقصود از این افراد دروغ گو، کسی است که گمان برده امام است و حال آنکه چنین نیست. (۱)

بخش دیگری از روایات که به زمان غیبت مربوط می شوند، ظهور هر گونه ادعا مبنی بر امامت و مهدویت را غیر مشروع خوانده و صاحبان این حرکت ها را مشرک یا کافر نامیده است.

توقیع شریفی است که امام عصر علیه السلام در پایان عصر غیبت صغرا به آخرین نائب خود ارسال داشته اند. می فرماید:

کسانی از پیروان ما خواهند آمد که مدعی مشاهده می شوند، آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و وقوع صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغگو و افترازننده است. (۲)

۳_۴. ملاقات گرایبی

درباره امکان و مطلوبیت دیدار با امام موعود در زمان غیبت کبرا، دو گرایش افراطی

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۱۲.

۲- غیبت طوسی، ص ۳۹۶.

و تفریطی وجود دارد که هردو نگاه _ چه از جهت اعتقادی و چه از جهت آثار عملی _ به بروز مجموعه ای از آسیب ها می انجامد. گرایش افراطی بر این باور است که دیدار امام، شرط لازم ارتباط با حضرت در زمان غیبت می باشد. بنابراین همه کمالات دیگر به نوعی فرع و شاخه این امر تلقی می شود و منتظران ظهور هم بیش از هر چیز به این امر تشویق و ترغیب کردند.

در این گرایش، ملاقات با امام غایب علیه السلام امر بسیار رایج و عادی و برای هر کس در هر شرایطی ممکن و آسان دانسته شده و باعث علاقه و محبت عموم مردم به وجود مقدس امام زمان علیه السلام می شود. از این رو با نیت خیر و به قصد محبوب کردن بیشتر آن حضرت، باید باب امکان ملاقات با ایشان را بسیار گسترده و سهل دانست تا شوق لقاء امام همگانی شود. و اگر کسی با این نیت مقدس، ماجرای هر چند ساختگی و دروغ درباره ملاقات با امام عصر علیه السلام برای مردم نقل کند، کار اشتباهی نکرده؛ بلکه به دلیل ایجاد شوق و محبت حضرت در دل های ایشان، مستحق

حق شناسی و سپاس گذاری نیز می باشد!

در برابر این تفکر افراطی، بینش دیگری وجود دارد که در باره گرایش به دیدار امام عصر علیه السلام دچار تفریط شده اند. اعتراض این گروه این است که با سهل انگاشتن دیدار امام در زمان غیبت، مهدویت و اعتقاد به امام به سطحی نازل سقوط می کند و زمینه بروز مدعیان دروغین در مسیر ملاقات گزایی به وجود می آید.

آن گونه که پیش تر گذشت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ضمن بیان فرا رسیدن غیبت تام، ادعای هر گونه مشاهده توسط افراد را کذب و افترا خوانده اند: «ألا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کذاب مفتر»^(۱).

درباره معنای مشاهده در این توقیع، وجوه گوناگونی ذکر شده است؛^(۲) اما به نظر می رسد مقصود کلی از این عبارت، تکذیب کسی است که با ادعایی از جمله ادعای نیابت از جانب امام همراه باشد. بنا به عرف زمان غیبت

۱- ر.ک: غیبت طوسی، ص ۳۹۶.

۲- ر.ک: عبقری الحسان، ج ۲؛ یاقوت الاحمر، ص ۲۰۵-۲۰۸.

صغرا، مشاهده توسط کسی صورت می گرفت که نایب امام باشد.

تشریفاتی که در کتاب های عالمان شیعه از جمله جنهالمأوی و مکیالالمکارم ذکر شده است، مربوط به کسانی است که در نهایت تقوا و علم قرار داشته و امکان دروغ گویی آنان بسیار بعید به نظر می رسد. دیگر آنکه هیچ یک از این بزرگواران ادعای نیابت خاص و ارتباط همیشگی با امام عصر نداشته و برابر انتشار این خبر نیز حساس بوده اند تا آنجا که از برخی نزدیکان خود قول گرفته اند که تا زمانی که زنده ام موضوع ملاقات با امام را فاش نکنند.

حاصل آنکه درباره امکان دیدار امام در زمان غیبت می بایست طریق اعتدال را پیش گرفت؛ نه هر گونه ملاقات با امام را منکر شد و راه دیدار با ایشان را به کلی مسدود دانست و نه ادعای کسی که دعوی ارتباط و سفارت و نیابت امام را دارد پذیرفت.

بنابراین باید در برابر تدبیر خداوند تسلیم بود و در این تسلیم به انجام وظایف و تکالیف عصر غیبت که مهم ترین آن ها کسب معرفت به امام غایب است، پرداخت.

۵_۳. بروز کسالت، سستی و بی حالی

ادعیه و زیاراتی از ناحیه مقدس معصومان علیهم السلام رسیده و در کتب علمی و دینی علما و دانشمندان شیعه ضبط شده است. از جمله دعاهایی که از ناحیه مقدس امام عصر علیه السلام صادر شده و جامعه منتظر را در بر می گیرد، دعای معروفی است که با عبارت: «اللهم ارزقنا توفیق الطاعه» آغاز می شود.

در این دعای شریف که در متون روایی و ادعیه روایت شده است، (۱) به آسیب های احتمالی که افراد جامعه بدان ها گرفتار می آیند و به راه های درمان آن ها اشاره شده که علاوه بر طلب اجابت درمان آن ها توسط خداوند، امکان بهره مندی علمی از آن نیز مهیا می باشد.

امام منتظر در ضمن عبارات این دعا، آسیب های دوری از اطاعت، عدم خلوص نیت، عدم آگاهی به محارم الهی و بی توجهی به آموزه های دینی و... را طلب می کند. این موارد که در صدر این دعا قرار گرفته اند، بیانگر

۱- مصباح کفعمی، ص ۲۸۱؛ بلدالأمین، ص ۳۵۰.

آسیب های رفتاری کلی در رابطه با جامعه منتظر است که لزوم تلاش برای کناره گیری از آن ها و درمان آن ها بدیهی به نظر می رسد.

در ادامه دعا، امام منتظر از خداوند جبران و درمان این آسیب ها را طلب می کند.

همچنین در دعای دیگری که توسط امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به آن امر شده است، (۱) به وظایف و تکالیف منتظران اشاره شده و نسبت به برخی آسیب های رفتاری جامعه منتظر نکاتی آمده است:

خدایا! به دست امام موعود، ما را به راه راست هدایت کن و به مسیر عظیم الشان و طریقت عدل و صحیحی که هر غالی (بلندپرواز و متجاوز از حدود حقیقی امامت) و هر تالی (کوتاه نگر و تفریط گر در امر امامت) باید به آن بازگردند، راهبری فرماو....خداوند! ما از خستگی و بی میلی و کسالت در کار دین و سستی در طاعت به تو پناه می بریم.

۶_۳. نمادگرایی افراطی

نماد، آن چیزی است که در پس خود چیز دیگری نشان دهد. «چیزی که جای چیز

دیگری را می‌گیرد و بر آن دلالت می‌کند»^(۱).

چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «ما لله آیه اکبر منی؛^(۲) برای خدا آیه و نشانه ای بزرگ‌تر از من نیست». یعنی با نگاه به حضرت و رفتار او می‌توان به خدا رسید و خدا را در وجود حضرت یافت. بنابر برخی روایات فرموده اند: «با افرادی دوست شوید که دیدن آن‌ها شما را به یاد خدا اندازد».

بنابر این روایات، انسان‌های مؤمن، نماد و نشانه خدا هستند.^(۳) در عصر ما مسجد مقدس جمکران نمادی دینی و مذهبی و مربوط به مذهب است، اما آسیب، آن‌گاه خود را نشان می‌دهد که جنبه نمادین آن بر سیمای حقیقی‌اش چیرگی یابد و واقعیتی که در پس آن، وجود دارد از دید فرد پنهان بماند. آن مکان مقدس در ورای خود باید خدا و بندگی او، شناخت حجت وی و سرانجام نزدیکی به وجود مقدس آن حجت را نشان دهد؛ چنان که اصل هدف از دستور آن حضرت برای

۱- کنش اجتماعی، ص ۹۵.

۲- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۹.

۳- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۷.

تأسیس آن مکان نیز همین بوده است. در فرمان حضرت به حسن بن مثله جمکرانی برای تأسیس مکان مزبور نیز به همین موضوع اشاره شده است:

به مردم بگو تا به این مکان روی بیاورند و آن را عزیز و گرامی بدانند و در آن چهار رکعت نماز به جای آورند... هر کس این نماز را بخواند، مانند آن کسی است که در کعبه نماز خوانده باشد. (۱)

نمونه های دیگر نمادگرایی افراطی عبارتند از:

۱. اصل شدن مکان مقدس و غافل شدن از دلیل اصلی تقدس آن ها؛ بطوری که مکان های دیگر نیز به عنوان جمکران ثانی شمرده می شود؛ هم چنان که در برخی مکان های ایران این اتفاق افتاده است.

۲. اصل شدن زمانی خاص مثل حضور در شب چهارشنبه در مسجد جمکران، اگر چه در میان مؤمنان رایج شده، ولی هیچ وجه علمی ندارد،

۳. یکی از آفات این است که شخص بعد از توجه به نماد، دیگر وظیفه ای در وجود خود

احساس نکند و همین را برای خود غنیمت شمارد، و به همان راضی باشد؛ به طوری که آن قدر جذب نماد شود که از محتوا غافل بشود.

۷_۳. ارتباط گسسته و مقطعی

از جمله آسیب های اجتماعی در گرایش به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رابطه موقت و گسسته با حضرت است؛ اعم از ارتباط مقطعی در زمان خاص، مثل روز جمعه یا شب چهارشنبه یا روز و شب نیمه شعبان، یا ارتباط در مکان های خاص، مثل مسجد مقدس جمکران، مهدیه، مسجد سهله، محل برگزاری دعای ندبه و ...

بنابر روایات، این گرایش باید پیوسته باشد و در همه عرصه های زندگی حضور داشته باشد، لذا بنابر روایت: «انتظروا الفرج صباحاً و مساءً؛ (۱) هر صبح و شام منتظر فرج باشید» و روایاتی که به انتظار سفارش کرده اند، قید زمانی و مکانی نداشته، شامل تمام زمان ها و مکان ها می شوند.

حضور در جمکران، مهدیه، دعای ندبه، خواندن دعای فرج و سلامتی حضرت و ... از

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ کمال الدین، ص ۳۳۹.

مصادیق انتظار است، نه تمام آن. همچنین است سفارش به پیگیری و خواندن برخی دعاها در عصر غیبت، مثل «دعای اللهم عرفنی نفسک...» (۱).

در رفتار برخی از منتظران و مهدی یاوران، گرایش به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همین تظاهرات بیرونی خلاصه شده است نه اینکه مهدی گرایی پیاپی در سطح رفتارهای آنان، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی، جاری باشد.

۸_۳. روابط اجتماعی ناسالم (گست اجتماعی)

رفع نیازهای یک دیگر، از اهداف زندگی اجتماعی و برقراری روابط میان انسان ها است. جامعه شناسان، همبستگی و انسجام اجتماعی را برای پایداری و پویایی سازمان اجتماعی، ضرورتی انکار ناپذیر دانسته اند.

مذهب و آموزه های دینی، از عواملی است که روابط اجتماعی را فزونی می بخشد؛ از این رو دین اسلام بحث حقوق متقابل برادران

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۶۶؛ مصباح المتهدجد، ص ۴۱۱؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

دینی را مطرح کرده، بسیار بر آن تأکید می نماید. چنانکه امام صادق علیه السلام در پاسخ به درخواست شخصی که اصرار بر بیان حقوق برادران دینی را داشت فرمود: «می ترسم بگویم و تو نتوانی انجام بدهی». آن گاه راحت ترین حق را این چنین بیان می کند:

هر آنچه بر خود می پسندی، بر او هم پسند و هر چه بر خود نمی پسندی، بر او هم میسند. [\(۱\)](#)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در توصیف جامعه گسل خورده و از هم گسیخته پیش از ظهور می فرماید:

ووا اسفی من فَعَلاتِ شِيعَتِي ... کل حزبٍ منهم آخذ منه بُغْصِنِ اینما مال الغُصنِ مال معه؛ [\(۲\)](#)

ای افسوس از رفتار شیعیان ما. پس از امروز که این گونه به هم دوستی نزدیک دارند. چگونه پس از من برخی از آنان، برخی دیگر را خوار سازند و بعضی برخی دیگر را می کشند. هر دسته و گروه از آنان به شاخه ای درمی آویزند و

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۵۶۳.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۲۲.

به هر سوی که شاخه بچرخد، آنان نیز می چرخند.

این روایات سازمان اجتماعی پیش از ظهور را گزارش می دهند. جامعه ای که به تشمت و پراکندگی فکری و کنشی دچار است و روابط اجتماعی در آن از هم گسیخته و اتحاد و یکپارچگی در آن جای خود را به تفرقه و جدایی داده است.

۹_۳. کم فروغ شدن عواطف انسانی

از معیارهای مهم برای تشخیص جامعه انسانی از گونه های دیگر اجتماعی، وجود پیوندهای عمیق و عواطف سرشار انسانی است.

در این برهه از زمان، پیوندهای اجتماعی بر محور حق و عدالت و ارزش های انسان نمی چرخد؛ بلکه ضابطه در این پیوندها، خودخواهی، خودپسندی، ستم و بی توجهی به حقوق و ارزش های انسانی او است.

از روایات در توصیف روزگار پیش از ظهور و آسیب های عصر انتظار به دست می آید که پیوندها به گونه ای ظهور و بروز می یابد که نمایانگر گسستی عمیق در روابط اجتماعی انسان ها است.

قطع روابط خویشاوندی، کم ارج شدن جایگاه پدر و مادر و بزرگ ترها در نزد فرزندان و در مقابل بی توجهی بزرگ ترها به فرزندان و اعضای فروتر خانواده، عدم توجه به حقوق همسایه، دروغ گویی، کینه توزی و دشمنی، حسادت، رواج غیبت و بهتان و افترا، هر کدام گسلی بر روابط اجتماعی و عواطف انسانی است که احادیث، آنها را بیان کرده اند. اکنون به بیان برخی از این ناهنجاری ها می پردازیم:

قطع رحم:

صله رحم به معنای محبت و ارتباط داشتن با خویشان است که در اسلام به آن توصیه و در زمره واجبات شمرده شده است. قطع آن به معنای بی توجهی و گسست پیوند خویشاوندی است. بنابر روایات، در روزگار پیش از ظهور، این پدیده در میان مردم به گونه ای شیوع می یابد که دست نیاز خویشاوندان محتاج را نیز بر نمی تابند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «رأیت الارحام

قد تقطعت؛ (۱) وقتی دیدی پیوندهای خویشاوندی، گسسته شده است».

پیامبر اسلام ۹ فرمود:

قیامت برپا نمی شود تا آنکه زمانی فرا رسد که مردمی [از شدت فقر] به اقوام و بستگان خود مراجعه کنند و آنان را به پیوند خویشاوندی سوگند دهند تا بلکه به او کمک کنند؛ ولی چیزی به او نمی دهند. (۲)

بی حرمتی انسان ها به یک دیگر:

در آموزه های دینی به اعضای جامعه اسلامی سفارش شده است که به یک دیگر احترام بگذارند و از بی حرمتی به یکدیگر اجتناب کنند.

اما در جامعه پیش از ظهور، این ارزش اسلامی زیر پا نهاده می شود و افراد، خود را به رعایت آن ملزم نمی دانند. پیامبر اسلام در توصیف این آسیب می فرماید:

در آن روزگار، بزرگ ترها به زبردستان و کوچک ترها، با مهربانی رفتار نمی کنند و قوی

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

۲- الامالی شجری، ج ۲، ص ۲۷۱.

بر ضعیف ترحم نمی نماید. (۱)

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

رأيت العقوق قد ظهر واستخف بالوالدين؛ (۲)

وقتی که دیدی عاق والدین آشکار گشته و جایگاه پدر و مادر سبک شمرده شده است.

و این نشان از افول و غروب چراغ عاطفه نزد فرزندان آنان است.

بی توجهی به حقوق همسایگان:

با توجه به سفارش اکید اسلام در باره همسایگان، جامعه منتظر پیش از ظهور به سبب ضعیف شدن نیروی عواطف انسانی، نه تنها برای همسایه خویش احترام قائل نمی شوند، بلکه در آزار دادن وی تلاش می کنند.

در روایات آمده است:

در آن روزگار، همسایه از همسایه خود یاری می طلبد و او را به حق خویشاوندی سوگند می دهد؛ اما به او کمک نمی کنند.

(۳)

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

۳- ۱. الامالی شجری، ج ۲، ص ۲۷۱.

۱۰_۳. شیوع ناهنجاری‌های رفتاری

عمق گرایش به کج‌روی‌ها در روزگار پیش از ظهور به میزانی است که بسیاری از مردم در جامعه اسلامی، ارزش‌های اسلامی را ضد ارزش و ضد ارزش‌های اسلام را برای خود ارزش تلقی خواهند کرد. (۱)

در روایات، از کج‌روی‌هایی چون هم‌جنس‌بازی، فحشاء، بی‌عفتی و بی‌حجابی، قماربازی، رشوه‌خواری، شرب مشروبات الکلی، سرقت و کم‌فروشی، نام برده است.

براساس برخی روایات، فرآیند گرایش به هم‌جنس‌بازی به میزانی شدت و حدّت می‌یابد که مردان، مردان دیگری را که به زنان تمایل دارند، نکوهش می‌کنند. (۲)

فحشاء؛ که شامل همه شیوه‌هایی می‌شود که از طریق آن‌ها خواهش‌های جنسی را به صورت نامشروع ارضا می‌کنند. در روایات بی‌شماری به این ناهنجاری‌ها اشاره شده است.

۱- منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

در واپسین سال های دنیا و نزدیک برپایی قیامت که بدترین زمان ها است، زنانی ظاهر می شوند که برهنه اند و خودنمایی می کنند، از راه دین منحرفند و به فتنه و گناه و شهوترانی تمایل دارند، حرام را حلال می کنند. جای آنان در دوزخ است. (۱)

در برخی روایات که به توصیف روزگار پیش از ظهور پرداخته اند، به سرقت در غالب کم فروشی و رانت خواری اشاره شده است. (۲) امام حسن عسکری علیه السلام آن دوران را این گونه ترسیم فرمود:

«اغنیائوهم یسرقون زاد الفقراء؛ اغنیا و توانگران جامعه، ارزاق [وسایل معیشتی و امکانات زندگی] بی نوایان را می ربایند». (۳)

۱۱_۳. انگیزه های غیر انسانی در روابط اجتماعی

براساس روایات، انگیزه ها در روزگار پیش از ظهور، الهی و انسانی نیست. غالب پیوندها، براساس دست یابی به عیش و نوش و لذت و

۱- من لا یحضره الفقیه، ص ۳۹۰.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۸.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۰.

فساد و آلودگی است و ابراز صمیمیت ها از حد زبان فراتر نمی رود؛ اما هنگام نیاز واقعی، یاری دهندگان اندکند.

حضرت علی علیه السلام در توصیف این فضا می فرماید:

... وَ تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفَجْرِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكَذِبِ ... وَ اسْتَعْمَلَتِ الْمَوَدَّةَ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرُوا النَّاسَ بِالْقُلُوبِ؛ (۱)

مردم با انگیزه گناهکاری با هم برادر می شوند و در راه دین از یک دیگر جدا می گردند. دوستی ها دروغین است... و دوستی به زبان و دشمنی مردم به دل ها است.

۱۲_۳. آسیب های سیاسی در عصرانتظار

اگر انسان بخواهد در حوادث و پیچیدگی های زندگی اجتماعی و سیاسی فریب نخورد، لازم است از عنصر بصیرت که حاصل شناخت و تفکر است، برخوردار گردد.

فعال سیاسی به سه نوع شناخت برای حضور در عرصه های سیاسی و اجتماعی نیازمند است که عبارتند از: حق شناسی،

باطل شناسی و راه شناسی. و قرآن، به هر سه نوع شناخت و بصیرت اشاره کرده است. (۱)

اگر انسانی نفهمد تنها راه سعادت، راه ولی خداست، در شبهات و فتنه ها غرق می شود؛ از جمله عوامل باز ماندن از جبهه حق و همراهی با ولی خدا، شبهه ها و فتنه ها هستند.

لذا اگر انتظار در جایگاه واقعی خود که همانا معرفت حجت حق است قرار نگیرد، در فتنه ها و گرداب ها می افتد که این آسیب جبران ناپذیر است؛ و لذا باید برای رفع این فتنه ها به باطل شناسی روی آورد، تا سره را از ناسره و حق را از باطل باز شناسد.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

ای ابوخالد! همانا مردم زمان غیبت که به امامت او معتقدند و منتظر ظهور او هستند، برتر از مردم همه زمان هاینده؛ زیرا خدای متعال، به آنان آن اندازه از عقل و شناخت داده که غیبت برای آنان، به منزله شهود شده است. (۲)

۱- سوره انعام (۶): ۵۰؛ سوره زمر (۳۹): ۹.

۲- کمال الدین، ص ۳۳۰.

۱۳_۳. عدم تناسب سطح معارف منتظران با شرایط عصر حاضر

بحران کیفیت، از مسائل و مشکلات نظام های آموزشی کشورها در دوران کنونی است. این آسیب در بخش آموزش و تعلیم، دامن گیر آموزش ها و معارف دینی از جمله مهدویت گرایی نیز شده است. چنانکه سطح معلومات و معرفت بیشتر مهدی باوران درباره حضرت و وظایف خود در عصر غیبت، بسیار پایین تر از معمول در دوران آخرالزمان است؛ چرا که هرچه بحران ها شدیدتر باشد و عوامل ایمان زدا فراگیرتر شود، عمق بخشیدن به باورهای دینی از جمله مهدویت ضروری تر است؛ زیرا در زمانه ای هستیم که به قول روایات: «يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَّ يُمَسِّي كَافِرًا». امروز همان روزگاری است که ایمان ها خیلی راحت از دست می رود. (۱)

تکرار صدبار (ایاک نعبد و ایاک نستعین در نماز مخصوص امام زمان علیه السلام در هر رکعت بیانگر این نکته است که در دوران غیبت، حفظ ایمان بسیار سخت است.

ضعف معرفت و شناخت متناسب با زمان در امر مهدویت و نمودهای این آسیب در رفتارهای زائران و مشتاقان حضرت که به مسجد مقدس جمکران می آیند، به چشم می آید. گرایش کم زائران به تهیه محصولات فرهنگی و کتاب، به ویژه در مقایسه با تهیه غذای نذری بسیار به چشم می آید.

۱۴_۳. ابهام در آثار روانی مهدویت

در رویکرد روان شناسی دینی، مفاهیم مهدویت نیز مانند دیگر مسائل دین، از لحاظ علمی، تجزیه و تحلیل می شود. مفاهیمی مانند منجی گرایی، نجات طلبی، امید به آینده، آرمان گرایی و... جزء ذات انسان مسلمان و از عناصر پایای روان وی هستند؛ لذا روان شناسی باید بحث درباره آن ها را بپذیرد.

مهدویت چند بعدی است و ابعاد شناختی، شهودی و درونی، عاطفی و رفتاری را در بر می گیرد. این مجموعه چند بعدی، می تواند در مجموعه سرفصل های روان شناسی گنجانده شود. گرچه هنوز، بعضی از روان شناسان مطمئن نیستند که پرداختن به دین، جزو حوزه مطالعاتی و کاری آنها باشد و طبیعتاً نمی توانند میان روان شناسی حرفه ای خود و

مهدویت ارتباطی بیابند. بر خیروان شناسان از این نکته غافلند که اسلام، دین زندگی است و برای سعادت انسان، طرح و برنامه دارد؛ چنانکه تعبیر قرآن از تیباناً لکل شیء؛^(۱) قرآن روشنگر هر چیزی است» بیانگر این معنا است.

در مرحله بعدی، این الگوی زندگی را با امامت تکمیل کرد. «الیوم اکملت لکم دینکم،^(۲) در این روز [غدیر] دین را بر شما کامل کردم» یعنی دین سعادت بخش، با امامت همراهی داشته و هدف، مسیر و روش زندگی با این الگو مشخص و کامل می‌گردد.

البته این گونه نیست که تربیت دینی، پیش نیاز تربیت مهدوی باشد؛ بلکه هر دو یکی است و تربیت دینی با رویکرد مهدوی باید اجرا شود. و اگر علمی بخواهد به دین اسلام پردازد، باید آن را با همین رویکرد مطالعه کند؛ یعنی روان شناسی اسلامی در واقع همان روان شناسی مهدوی است.

فعالیت روان شناسی با مبنای مهدوی، در واقع همان زمینه سازی برای ظهور است؛ زیرا

۱- سوره نحل (۱۶): ۸۹.

۲- سوره مائده (۵): ۳.

چنانکه گفته شد توسعه مهدویت با تحقق زمینه سازی مساوی است.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «بکم ینفّس الهم و یکشف الضّر؛ ناراحتی ها و فشارها، فقط با شما اهل بیت رفع می شود»؛^(۱) جدایی جریان مهدویت از روان شناسی می تواند زمینه سازی به سمت ظهور را کند کند و این خود در نوع خودش آسیب به حساب می آید.

برای برون رفت از این آسیب، پیشنهاد می شود مراحل و درجات مختلف انتقال فرهنگ مهدوی، از منظر روان شناسی تدوین شود.

۱۵_۳. انتظار منجی بدون تلاش برای تغییر

براساس آیات قرآن کریم، هرگونه تغییر بنیادین و تبدیل سرنوشت جامعه، به دست خداوند و با اراده او محقق می شود و اوست که اراده اش در ایجاد تغییر و تحول، یا ایجاد مانع بر سر راه آن، به عنوان علت تامه، نقش مستقیم ایفا می کند. البته علت تامه تغییر، خدا است؛ اما مقدمات و زمینه سازی ایجاد

۱- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

آن، در اختیار انسان است.

در مشهورترین آیه در این زمینه که از غرر آیات الهی است، تغییر سرنوشت یک ملت را وابسته به عمل آن ها و منتسب به ذات مقدس خویش می داند و تصریح می کند.

«ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم.» (۱)

در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند.

تا زمانی که ما تحولی نداشته باشیم و زمینه ها را فراهم نکنیم، در بیرون، چیزی رخ نمی دهد، این مسأله شرطی است «ان تنصروا الله ینصرکم». (۲) یعنی کسانی که امداد الهی را می خواهند باید از توانمندی های خودشان استفاده کنند. به تعبیر زیبای قرآن، نگاهتان به دست خودتان باشد «ما قَدَّمت یداک» (۳).

با این وصف کسی که منتظر منجی و حجت خداست، اگر تغییری در رفتار و حالات

۱- سوره رعد (۱۳): ۱۱.

۲- سوره محمد (۴۷): ۷.

۳- سوره حج (۲۲): ۱۰.

خود ایجاد نکند، گرفتار آسیب بزرگی است؛ زیرا ظهور حضرت، امری تکوینی نیست؛ بلکه وعده الهی است و تحققش به اذن و فرمان خاص خدا بستگی دارد. اگر مقدماتش فراهم شد، به اذن و فرمان او انجام خواهد شد.

۱۶_۳. بی تفاوتی منتظران در قبال زمینه سازی

در روایات متعددی به ضرورت زمینه سازی اشاره شده است. از آسیب های جدی در این حوزه، وقتی است که انتظار را به عنوان یک حالت تلقی کرده، به شعار انتظار بسنده کنیم؛ در حالی که انتظار اقدام و انجام وظیفه یک شیعه، در فراهم ساختن زمینه های ظهور است. چنانچه در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام آمده است:

لِیَعْدَنَ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا...؛

هر یک از شما باید برای قیام قائم آماده کند ولو یک تیر را. (۱)

برای رسیدن به ظهور باید حرکت کرد؛ مثل قله ای که باید به سوی آن حرکت کرده، به آن برسیم. این قله و این هدف، رفتنی است نه آمدنی؛ لذا ظهور، تحصیلی است نه

۱- غیبت نعمانی، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

حصولی. البته حقیقت آسیب در این نیست که اگر ما به وظیفه مان عمل نکنیم، امام ظهور نمی کند؛ بلکه جامعه آکنده از ظلم، خودش می تواند زمینه ساز ظهور نور باشد؛ چون: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»؛^(۱) بی تردید باطل رفتنی است».

پس رسالت ما، آوردن حق است، ما هستیم که باید زمینه های ظهور را فراهم کنیم، در غیر این صورت محروم می شویم.

ظهور مشکل فاعلی ندارد، مشکل قابلی دارد؛ یعنی هنوز جامعه قابلیت پذیرش امام را ندارد.

به تعبیر خواجه طوس: «وعدمه منّا»، مانع، ما هستیم و از ماست که بر ماست.^(۲) یعنی می توان گفت: بزرگ ترین آسیب و مانع در حوزه مهدویت، خود ما هستیم و بی قابلیت می ماست. این نفس آلوده ما است که مانع حضور او است. ما کوتاهی کرده ایم و نتوانسته ایم از او حمایت کنیم که غایب شد.

در روایت آمده است:

۱- سوره اسراء (۱۷): ۸۱.

۲- کشف المراد، ص ۵۰۷.

مَنْ سَرَّهٖ اَنْ يَكُونَ مِنْ اَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَتَنَظَّرْ وَيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْاِخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛^(۱)

«کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، پس باید انتظار بکشد و از محرمات و گناه دوری کند و آراسته به زیبایی‌های اخلاقی باشد».

۱۷_۳. عدم پیروی از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آسیب‌های مهم در جامعه منتظر، فهم غلط نسبت به جایگاه ولی فقیه است و این باعث می‌شود در اطاعت پذیری مردم از ولی فقیه در عصر غیبت اثر منفی بگذارد.

بر اساس مبانی ولایت فقیه و نظر امام راحل ۱ و برخی از فقهای معاصر _ که حق هم همین است _ شأنی که امام معصوم علیه السلام در فضای مجتمع دارد؛ ولی فقیه هم دارد. البته نه اینکه هر شأنی که امام معصوم علیه السلام به لحاظ فردی دارد، ولی فقیه هم دارد. امام، دارای مقام عصمت است؛ اما ولی فقیه معصوم نیست. بر امام معصوم، ملائکه در شب‌های قدر نازل می‌شوند؛ اما بر ولی فقیه نازل

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

نمی شوند. محل گفت و گوی ما این گونه مقام ها و شئون شخصی نیست؛ بلکه محل گفت و گو این است که در فضای جامعه و اداره مجتمع، هر شأنی که امام معصوم علیه السلام دارد، ولی فقیه هم دارد؛ بنابراین اگر ولی فقیه برای اداره جامعه دستوری بدهد یا حکمی بکند، باید مردم نسبت به ولایت فقیه اطاعت پذیرتر از کنیز به صاحبش باشند. (۱)

اگر به تعبیر قرآن، تجلی محبت خدا در اطاعت از رسول است. تجلی محبت امام زمان علیه السلام نیز در اطاعت از ولی فقیه است. این اساس اعتقاد ماست، ولایتمداری یک شعار صرف نیست بلکه باید با آن زندگی کرد و این اساس یک مکتب است.

و لذا اگر می گوئیم امام زمان علیه السلام را دوست داریم، تجلی اش در اطاعت از ولی فقیه است، زیرا رابطه امام و مأموم، بیش از رابطه پدر و فرزند است.

۱۸_۳. عدم تبیین مشکلات فقدان امام علیه السلام

در فراهایی از دعای افتتاح که از جانب

۱- هُم أطوع له من الأمة لسیدها.

امام زمان علیه السلام است، می خوانیم:

«اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا و غيبه و لينا»؛ خدایا ما به تو شکایت می کنیم از نبودن پیامبران و از غیبت مولایمان»

معتقدیم باید شاخص های کلان فرهنگی یک دولت، این باشد که نبود امام و مشکلات آن، برای مردم چه در داخل و چه در گستره جهانی توضیح داده شود. ما از نبود امام شکایت داریم و ناراحتیم. این وضعیت باید تبیین و تحلیل بشود. در حقیقت باید نشان بدهیم که زمین، نیازمند آسمان است.

اما متأسفانه امروز جامعه منتظر عملاً چنین نشان می دهد که ما شکایتی نداریم و راضی به وضع موجودیم؛ زیرا هنوز مصیبت های فقدان امام علیه السلام برای خیلی ها تبیین نشده است. در حالی که در آن دعا آمده است:

«الهی عظم البلاء» آیا واقعاً نبود امام برای ما بلا-یی عظیم است؟ اینکه می گوییم: «الهی عظم البلاء و برح الخفاء و انكشف الغطاء و انقطع الرجاء و ضاقت الارض و مُنعت السماء و انت

المُستعان و اليك المُشتمكى». (۱) آياهنوز ما در دنيا با غيبت امام در تنگنا قرار نگرفته‌ايم و به مرز اضطرار و شكائيت به درگاه الهی نرسیده‌ايم، تا ظهورش را بخواهيم؟ اگر چنین است، معلوم می‌شود هنوز از عصر ظهور که عصر همه زیبایی‌ها است و از امام زیبایی‌ها و اهدافش، هیچ شناختی نداريم.

باید نشان داد که مهدویت، نه یک راه؛ که تنها راه است «السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلك غيره هلك». (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۵ و ج ۹۹، ص ۱۱۹ به نقل از کنوزالنجاح و المزارالكبير، ص ۱۹۶ و المزارالشهيد، ص ۶۴-۶۵؛ المصباح كفعمی، ۲۸۰.

۲- المزارالشهيدالاول، ص ۲۰۴؛ مفاتيح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه الشريف.

فصل دوم: عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر

اشاره

شناخت عواملی که به پیدایی آسیب ها در جامعه منتظر می انجامد ضروری است. با بررسی این عوامل، زمینه برای برون رفت از مشکلات پیش آمده فراهم خواهد شد.

۱. عوامل درون فردی

۱_۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم السلام

از آنجا که یاد خداوند، هسته مرکزی دینداری است؛ چنانچه این مقوله را از دینداری جدا کنیم، انسان به نوعی به «فراموشی خداوند» مبتلا شده، از دین گریزان می شود. ممکن است انسان خود را به ظاهر متوسل به دین بداند؛ اما چون از هسته مرکزی دین، یعنی اعتقاد به خدا غافل مانده، به نوعی در سرایشی دین گریزی قرار گرفته

است؛ به تعبیر دیگر خدا فراموشی، زمینه سریع تری را برای گریزان شدن از دین فراهم می کند.

خداوند در قرآن می فرماید:

و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند (۱).

پس سرانجام خدا فراموشی، فسق است و فسق و دینداری با هم جمع نمی شوند.

نیز اتصال به حبل المتّقین الهی، یعنی امامان معصوم، انسان را در مقابل حوادث بی دینی و دین گریزی مصونیت می دهد. کسانی که از این مقامات عظیم الشان الهی تخلف ورزند، در معرض هجوم امواج بی دینی تاب مقاومت ندارند و به مسیری برخلاف مسیر هدایت و دین کشانده می شوند. امام علی علیه السلام نقش امامان را زنده نگه داشتن سنت پیامبر و جاری ساختن حدود الهی می داند:

همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید و آن، کوتاهی نکردن در پند و

۱- «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (سوره حشر، (۵۹): ۱۹)

نصیحت، تلاش در خیر خواهی، زنده نگه داشتن سنت پیامبر، جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان و رساندن سهم های بیت المال به طبقات مردم است. (۱)

۲_۱. فقر فرهنگی

فقر و غنا در اندیشه معصومان: در معنای گسترده تری از تهی دستی و بی نیازی مالی به کار رفته است. مراد از فقر فرهنگی، تهیدستی مردم نسبت به مسائل فرهنگی، مانند عدم شناخت و عمل به مسائل دین به عنوان جزء مهم فرهنگ است. در مقابل، مراد از غنای فرهنگی، قوت و استحکام در عرصه علمی و عملی فرهنگ و التزام به مسائل فرهنگ دینی است. در اندیشه امام علی علیه السلام فقر فرهنگی، سخت ترین و بدترین نوع فقر است. از حضرت سؤال شد: «کدام نوع فقر شدیدتر و بدتر است؟» فرمود: «کفر ورزیدن پس از ایمان». (۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.

۲- ص ۵۱۱. قیل له: «ای فقر اشده؟» قال علیه السلام: الکفر بعد الایمان»، جلوه های حکمت

غناى فرهنگى باعث مصونيت فکرى و فرهنگى مى شود و آسيب زدائى آفت هاى دينى را به دنبال خواهد داشت؛ ولى فقر فرهنگى و عدم آشنائى عميق با مسائل دينى، آسيب پذيرى فرهنگى و دينى را در پى خواهد داشت.

از موارد فقر فرهنگى، جدال بى حاصل در مسائل دينى، به جاى مناظره صحيح و منطقى است که خود شروع يک آسيب جدى است. چون در روند دين گريزى، تأثير دارد: زيرا اولاً طرفين مناقشه را سست بنيان مى کند؛ چون هيچ کدام نمى توانند همدىگر راضى کنند و ثانياً شاهدان اين جريان هم به نتيجه روشنى نمى رسند. اين جا است که امام على عليه السلامى فرمايد: «اَيَّاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْخُصُومَةَ؛ مرء و جدال را رها کنيد».

۳_۱. خودخواهى و دنياگرابى

دنياطلبى، به معنای اسارت در دام دنيا، از عوامل جداکننده حقيقت طلبان از باطل جويان است. عصر ظهور، با تغيير نگاه جامعه به مظاهر دنيايى، به صورت علمى و عملى، اين موانع را برطرف خواهد کرد.

از آن جا که حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عالم گیر است و منفعت طلبان به عدالت سوق داده می شوند، بیشترین مخالفت ها، از دنیا طلبان و دنیا خواهانی است که در هراس از دست دادن آن، یا در شوق و عشق زیاده خواهی آنند.

اگر انسان خوب رهبری نشود و از خود مراقبت نکند، علاقه اش به وابستگی تبدیل می شود. «وسیله» به «هدف» استحاله می شود، «رابطه» به صورت «بند» و «زنجیر» در می آید. این آفتی است که قرآن و نهج البلاغه، انسان را درباره آن هشدار داده است. (۱)

اسارت دنیا و نگاه صرفاً دنیایی به زندگی، آدمی را از هر کس که سخنی غیر از دنیا بگوید، متنفر می سازد و این خود زمینه ای برای عدم اطاعت و همراهی و گناه نفرت از امام را فراهم می آورد. از این رو دنیا خواهی در کوتاه نگری منتظران نیز بسیار دخیل است.

نیز دل بستگان دنیا، چون نگاهشان فقط دنیایی است، دیگران را نیز از انجام تکالیف و

مسئولیت‌ها باز می‌دارند، تا از دنیا بیشتر بهره‌گیرند. بر این اساس از تحقق راه خدا که با خود مجاهدت، سختی، جهاد، عدالت و یاری محرومان را دارد گریزانند و در مقابل دین صف‌آرایی می‌کنند که این خود بزرگ‌ترین گمراهی است. (۱)

در زیارت حضرت امیر علیه السلام آمده است:

خدایا!... شکر تو را که مرا معرفی دادی که اهل دنیا جاهل به آن هستند و به دیگران، روی آوردند. (۲)

همچنین در جریان قیام حسینی، گروهی از کوفه، که از نویسندگان نامه به امام حسین علیه السلام بودند، تا آخرین نفس، از او دفاع کردند و گروهی دیگر، در تمام گفته‌ها و نوشته‌های خود تعبیر «جند مجند؛ لشکر آماده»، آوردند؛ ولی عهد و سوگندها را فراموش کرده و در مقابل سخن و احتجاج امام حسین علیه السلام، نامه را انکار کردند. اینان،

۱- «الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ». (سوره ابراهیم (۱۴): ۳)

۲- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۳۶.

بندگان دنیا بودند. گروه دیگر، بی طرفانی هستند که شیطان، آنان را فریفته است. آن‌ها به زعم خود بی طرفند؛ حال آنکه با تماشا و سکوت خود، یاریگر دشمن هستند. گروهی بودند که می‌گریستند و دعا می‌کردند که خدایا! حسین را یاری کن و به همین بسنده کردند.

امام صادق علیه السلام، در پاسخ ابابصیر که پرسیده بود فرج چه زمانی می‌رسد؟ فرمود:

آیا تو از کسانی هستی که خواهان دنیا هستند؟ کسی که حقیقت این امر را درک کند، به واسطه انتظارش، برای او فرج حاصل می‌شود. (۱)

۴_۱. اشتیاق غیر معقول

برخی ذهنیت‌ها در میان منتظران، متوجه این معنی است که تنها اعتقاد به اهل بیت و محبت امام زمان علیه السلام برای عمل به انتظار کافی است. چنین کسانی می‌پندارند که به صرف حضور در جامعه منتظر، به رستگاری رسیده‌اند؛ از این رو در برابر اعمال و رفتار و وظایف خود مسؤول نبوده و در قبال گناهان

خود عذابی نخواهند داشت. این توهم که در قرآن و روایات نیز مردود شمرده شده است، تمنّی یا امید کاذب نام دارد. آن... چنانکه اهل کتاب نیز گمان می بردند همین که نام دین و مذهب را بر خود نهاده اند، اهل سعادتند و عذاب نخواهند شد. (۱) در روایات دیگری نیز این گروه آرزوپرداز، تکذیب شده اند و تحت عنوان «الْمُتَمَنُّونَ» از آن ها خبر داده شده است. (۲)

آرزوگرایی بدون عمل در باب انتظار، سبب بروز آسیب هایی می شود که از مهم ترین آن ها می توان به: عمل نکردن به وظایف فردی و اجتماعی انتظار، دامن زدن به انتظار منفی و عدم اقدام عملی و انجام وظیفه در قبال امام و بروز توهم بی جای رضایت از خویش و بدگمانی به دیگران اشاره کرد. با این اوصاف، توجه دادن افراد منتظر به تأمل و تدبّر در آیات و روایاتی که سلامت اعمال و رفتار را

۱- «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَاتِيهِمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». (سوره بقره (۲): ۱۱۱)

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۸۳؛ غیبت نعمانی، ص ۱۹۷.

تنظیم کرده، معیارهای عمل صالح را بیان می کنند، (۱) برای مبارزه با این عامل، ضروری است.

البته ریشه اصلی این عامل در عدم درک جایگاه امام و امامت و خودمحوری و خودخواهی نهفته است.

به فرموده امام صادق (ع): «یکی از ویژگی های ممتاز سلمان این بود که خواسته امام را بر خواسته خویش مقدم می ساخت».

(۲)

۲. عوامل برون فردی

۱- ۲. عدم معرفت عمومی

شاید بتوان اصلی ترین و جدی ترین عاملی که به بروز آسیب های اجتماعی در جامعه منتظر می انجامد را عدم معرفت عمومی دانست. این مسأله تنها به افراد منتظر محدود

۱- آیاتی مانند محتوای سوره والعصر که شرایط عمل خالص همراه با انجام وظایف فردی و اجتماعی را بیان می کند. [انسان ها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند و یک دیگر را به حق سفارش کرده و یک دیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند]، از این دسته به شمار می روند.

۲- امالی طوسی، ص ۱۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۳۲۸.

نمی شود؛ بلکه به سطح وسیع تری از عدم معرفت که فضای عمومی و اجتماعی را شامل می شود مربوط شده، تأثیرات عمیق تری از خود برجای می گذارد.

به عبارت دیگر، اگر بروز آسیب های فردی را ناشی از عوامل پیش گفته بدانیم، آنچه سبب پذیرش این عوامل و آسیب های برآمده از آنان می شود، سطح پایین معلومات عموم جامعه است که به چنین ادعاها و تحرکاتی، امکان ظهور و بروز می دهد.

در چنین زمینه ای «شبهه» و «بدعت» بروز یافته، فضای حیات دینی جامعه منتظر را آلوده می سازد. شبهه که به معنای ایراد، اشکال، ایجاد تردید، به اشتباه انداختن و مسلم نبودن است، تفاوت چشم گیری با طرح سؤال دارد. سؤال، با هدف یافتن مجهول و یافتن پاسخ مطرح می شود؛ اما شبهه با هدف ایجاد نقص و یا کاستی و از روی استهزاء و تمسخر صورت می گیرد. بنابراین، هر آنچه که ظاهری شبیه به حق دارد، اما حقیقتاً و واقعاً حق نیست، از مصادیق شبهه شناخته می شود و نام گذاری آن هم به نام شبهه، درست به همین دلیل است؛ شبهه بدین سبب شبهه

نامیده شده که شبیه حق است. (۱)

«حق» که از ارزش های پایدار و اصولی در نظام فرهنگی است و خاستگاه خاص خود را دارد و هنجارها می بایست در ارتباط با آن ها باشد، با ورود شبهه ها، دچار اختلاط می گردد.

بدعت نیز که در اصل «اصطلاحی فقهی» است و به هر چیزی که با سنت نبی اکرم ۶ مخالف باشد، اطلاق می شود و معمولاً به نظریه ها و عادت های جدیدی که از دیدگاه های شخصی نشأت گرفته و در جامعه اسلامی رواج یافته باشد، گفته می شود، معلول عدم معرفت است؛ از این رو جامعه منتظر یکی از مهم ترین عوامل آسیب زای خود را می بایست در ایجاد بدعت جست و جو کند.

۲_۲. ضعف جامعه پذیری

مفهوم جامعه پذیری

مراحل یا فرایندی است که شخص راه ها، افکار، معتقدات و سایر خصوصیات مناسب مورد نیازش را برای عضویت در جامعه به دست می آورد که مهم ترین پیامد آن،

شناخت خود است و آن‌ها را جزء شخصیت خویش می‌نماید. (۱)

جامعه‌پذیری سیاسی، روند آموزشی است که به انتقال هنجارها و رفتارپذیرفتنی از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند؛ بنابراین هدف جامعه‌پذیری تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه باشند.

برای نمونه، در بحث‌های سیاسی، به عقیده سیگل: (۲) «جامعه‌پذیری سیاسی، یادگیری تدریجی هنجارها، ایستارها و رفتار قابل قبول برای یک نظام سیاسی در حال تغییر است». (۳)

عامل‌های عمده جامعه‌پذیری عبارتند از: خانواده، مدرسه، گروه‌های همتا، تجربه‌های طی دوره‌کار، رسانه‌های جمعی و تماس مستقیم با نظام سیاسی. البته گروه‌های همتا یادلبسته، تأثیر پایداری از مدارس یادانگازها دارند. تجربیات افراد در میان

۱- روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی، ص ۲۴ (به نقل از rogers cruton و علی اکبر شعاری نژاد).

۲- robert sigel

۳- بنیادهای علم سیاست، ص ۱۱۸.

دوستان، در ایجاد تغییری کامل در ایستارهای ذهنی آنان اساسی است. در نتیجه چنین تأثیراتی، ایستاری خصومت آمیز و پر خاشگرانه به آسانی ممکن است به ایستار همکاری تبدیل شود یا برعکس. (۱)

جامعه منتظر و قوانین کلیدی آن، بهترین فرصت را برای اهالی آن ایجاد نموده تا بتوانند با پذیرش چنین جامعه‌ای، خود را از آسیب‌ها در امان بدارند.

۲-۳. فقر و غنای مفرط اقتصادی

علاوه بر فقر فرهنگی، فقر اقتصادی نیز می‌تواند باعث ضعف و نقصان دین‌داری شود. فردی که برای تأمین نیازهای اولیه و ضروری زندگی مادی خود، از صبح زود تا پاسی از شب به طور مستمر به کار سخت و طاقت فرسا تن می‌دهد، طبیعی است نتواند وظایف دینی و شرعی خود را به صورت شایسته انجام دهد. عدم انجام شایسته تکالیف دینی نیز باعث ضعف و نقصان دین‌داری خواهد شد. با توجه به این واقعیت، در اندیشه

۱- بنیادهای علم سیاست، ص ۱۲۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام فقر از جمله علل نقصان وضعف دین داری ذکر شده است. (۱)

امام علی علیه السلام همانند قرآن، غنا و بی نیازی مفراط اقتصادی را عامل طغیان و عصیان می داند؛ (۲) نتیجه اینکه فقر و غنای مفراط اقتصادی هردو، می توانند به دینداری آسیب وارد کنند.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

۲- غررالحکم ودررالکلم، ج ۳، رقم ۴۷۰۷.

فصل سوم: آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر

اشاره

به طور کلی بروز آسیب، با به وجود آمدن آثار و پیامدهای منفی و مخرب همراه است که باعث بروز مشکلاتی در روند کلی یک ارگانیزم ایجاد می شود. آسیب های فکری و فرهنگی نیز علاوه بر دامن زدن به مشکلاتی در فرد و رشد انفرادی انسان، پیامدهای مخربی در گستره حیات اجتماعی در پی خواهند داشت که مطالعه آن ها در شناخت ابعاد گوناگون آسیب ها اهمیت بسیار دارد.

اینک درصدد شناخت آثار و پیامدهای آسیب های ذکر شده برای جامعه منتظر هستیم که دو گستره فرد و جامعه منتظر را شامل می شود؛ از این رو نخست به عمده ترین آسیب های فردی پرداخته، سپس اهم آسیب های اجتماعی را بررسی می کنیم.

۱. آسیب های فردی

۱-۱. ترس از امام و آرمان های او

ترس از یک چیز به سبب کمی اطلاع از آن شکل می گیرد و ابهام ناشی از خلأ علمی در رابطه با یک موضوع، به ترس از آن می انجامد؛ مروری بر آسیب های جامعه منتظر کافی است تا اذعان کنیم پایه اصلی و اساس همه این آسیب ها به عدم درک درست موضوعات و مفاهیم اساسی در بستر آموزه مهدویت مربوط می شود. هر یک از آسیب هایی همچون توقیت، استعجال و ادعاهای دروغین از درک نادرست مفاهیم غیبت و ظهور ناشی می شود و ابهام در نسبت اراده الهی و اراده انسانی در تمام این آسیب ها بدیهی به نظر می رسد.

چنین وضعیتی باعث می شود که رفته رفته به ترسی پنهانی گرفتار آیند و همواره از ابهام ناشی از آسیب های پیش گفته رنج ببرند.

در یک آمارگیری که از حدود هزار دختر نوجوان صورت گرفته است، بیش تر آن ها شناختی بسیار مبهم و اندک از مهدویت

داشته اند. عمده مشکل آنان این بود که آیا صحیح است وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می کند پای اسب ایشان در خون آدم هایی که سر آن ها توسط آقا زده شده است، فرومی رود؟^(۱)

در چنین زمینه ابهام آلود و ترسناکی، اصلی ترین اثر آسیب ها در بعد فردی که به قطع ارتباط علمی و عاطفی با امام منتظر است، بروز می یابد. نکته حائز اهمیت این است که این ترس باعث می شود زمینه هرگونه همراهی و استقبال از برنامه ها و آرمان های امام از بین برود و در نتیجه، آثار مخربی در عمل افراد منتظر ایجاد شود.

۲_۱. گریز از امام و آرمان های او

دنیاگرایی به معنای دل بستگی و سرسپردگی به دنیا از آنجا که باعث فراموشی آخرت می گردد، مذموم شناخته می شود. چنانکه در دوره های مختلف تاریخ به ویژه دوران زندگی معصومان، دنیاگرایی برخی

۱- فصلنامه تخصصی انتظار، شماره ۱۲، چشم اندازی بر برخی از آسیب های تربیتی مهدویت.

عناصر، تأثیر زایدالوصفی در کنش های اجتماعی آنان داشته است که از پیمان شکنی تا کفر و خروج از دین را شامل می شد. (۱)

ترس از امام هم در مراحل بعدی، به ایجاد دوگانگی در تمایلات و نهایتاً بروز نفرت از امام منتهی می شود. هنگامی که افراد به وضعیت کنونی زندگی خود بسنده کرده و به کسی که می خواهد این وضع زندگی را تغییر دهد، شناخت کافی ندارند، رفته رفته از این عامل تغییر، تنفر یافته و درصدد مقابله با آن برمی خیزند.

تأکید بر یادآوری رسالت مهم تاریخی جامعه منتظر، خود بهترین مکانیزم اجتماعی برای پیش گیری از کجروی ها و دنیاگرایی های جامعه منتظر است و به عاملی تبدیل خواهد شد که تنظیم رفتارها بر اساس هنجارهای دینی و بازدارنده از کجروی های دینی را تضمین می کند.

بدیهی است در یک جامعه منتظر، روابط اجتماعی نیز می باید بر اساس هنجارهای انتظار صورت پذیرد تا در پرتو التزام بدان ها

ضمن تأمین خوشایندی و رضایت کنش گران، آن‌ها را به سمت سعادت و کمال رهنمون شود.

از دیگر پیامدهای آسیب‌های جامعه منتظر که بر تعاملات فردی اعضای جامعه تأثیر بسزایی دارد، تفسیرهای نادرست از کنش‌های دیگران و سوء ظن به آن‌هاست. در صورت بروز چنین حالتی، معتقدات دینی اعضای جامعه با آسیب روبه‌رو می‌شود؛ زیرا بر اساس آموزه‌های دینی نمی‌توان و نباید تفسیر نادرستی از اعمال و رفتار دیگر اعضای جامعه داشت؛ بلکه می‌بایست همواره رفتار آنان را در یک قالب و الگوی مقبول و متناسب با اخلاق و هنجارهای دینی تفسیر و تعبیر کرد.

۳_۱. ترک وظایف و تکالیف انتظار

انتظار، در کلیت خود به تمام ابعاد زندگی افراد منتظر مربوط می‌شود؛ اما برای تحقق آن در عینیت حیات فردی منتظران، می‌باید به موانع آن نیز توجه داشت. روح منفعت‌طلبی و زیاده‌خواهی هر انسانی به دنبال آن است که بایدها و نبایدها را بر اساس

تمایلات خود تفسیر کند. این ویژگی در بدو امر، خصوصیت طبیعی قلمداد می شود؛ اما وقتی با سایر موارد به صورت نظام وار در نظر گرفته می شود، به دلیل آسیب یا آسیب هایی که به سایر بخش ها وارد می کند، نیازمند کنترل و جهت دهی است.

از این رو باید متذکر شد که در انجام الزامات و هنجارهای دینی نباید خود را آزاد دانست و در انجام تکالیف و فرایض، با سستی و تساهل و یا نادیده گرفتن و تسامح برخورد کرد؛ بلکه می باید آنچه از ناحیه دین به عنوان باورها، ارزش ها و هنجارها و مناسک دینی آمده است، تمام و کمال صورت پذیرد؛ و گرنه تسامح و تساهل در این تکالیف، موجب آسیب به سایر بخش ها می شود؛ از این رو مهم ترین پیامد بروز آسیب در جامعه منتظر، بی توجهی به تکالیف انتظار و بایسته های حیات منتظرانه است.

هر چند مواردی که امکان چشم پوشی و آسان گیری در آن ها وجود داشته، توسط خود دین، پیش بینی شده است و به همین علت، دین «سمحه و سهله» می شود؛ اما این ویژگی نباید بهانه ای شود برای آنکه منتظران به

حداقل ها در ظرف ذهن و عین رضایت دهند. چنانکه رضایت به حداقل ها، موجب چشم پوشی از تکالیف انتظار و در نتیجه، غفلت از فلسفه انتظار می شود.

۲. آسیب های اجتماعی

۱_۲. ناامیدی افراد جامعه

عمده ترین پیامد اجتماعی که از آسیب های جامعه منتظر ناشی می شود، به ناامیدی افراد جامعه و سرخوردگی رفتاری و تردید فکری آنان مربوط می شود. بروز هر یک از آسیب های جامعه منتظر که ذکرشان گذشت و نیز تکرار بروز آن ها سبب می شود رفته رفته در موضوعات و گزاره هایی که به این آسیب ها مرتبط است، دچار ابهام و تردید شده، از لحاظ رفتاری نیز نسبت به این موارد بی تفاوت گردند.

این وضعیت، به نوعی به ناامیدی اجتماعی دامن می زند که امکان هرگونه اصلاح و رشد را از میان برده و از معاضدت و تعامل افراد جامعه منتظر در راستای انجام وظایف و تکالیف خود می کاهد. این وضعیت، باعث بروز بحران ها و انحرافات فکری و عملی

خاصی می شود که همچون گذشته تاریخ، (۱) خطر وقوع آن ها محتمل است.

ناامیدی و بی تفاوتی جامعه منتظر، مهم ترین اثر خود را در ترک وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نشان خواهد داد. و اگر این دو در ساختار اجتماعی، از جایگاه خود برخوردار نباشد، پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت؛ به همین دلیل حضرت علی علیه السلام اعلان خطر کرده، چنین تذکر می دهد:

... مفسد آشکار شده، نه انکار کننده و تغییر دهنده ای پیدا می شود و نه بازدارنده ای به چشم می خورد... خداوند، امر کنندگان به معروف را که خود ترک کننده معروفند و نیز نهی کنندگان منکر را که خود مرتکب آن می شوند، لعنت می کند. (۲)

ویژگی یک جامعه پویا آن است که در سلسله مراتب طولی باورها و عقاید تا هنجارها و عمل، روش یکسانی داشته باشند. عمل ها منطبق با اجزای نظام فرهنگی و نظام

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲- نهج البلاغه، ص ۱۸۸.

فرهنگی پاسخ گوی نیازهای جامعه باشد. این هم گونی باعث می شود در ذهن اعضای جامعه ایستارهای ارزشی، تحقق عینی به خود ببیند و در مقام عمل، التزام بدان ها مشاهده گردد.

در این کلام به هر دو مکانیزم نظارت اجتماعی غیررسمی و کنترل اجتماعی رسمی اشاره شده است. پایان کلام ایشان، بیانگر این واقعیت است که این نظارت، ضامن سلامت، سعادت و تعادل جامعه و اعضای آن خواهد شد. چنین مکانیزمی دقیقاً درباره جامعه منتظر صدق می کند و لزوم عمل به تکالیف اجتماعی انتظار را بیش از پیش تأکید می کند. اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه منتظر، حاکمیت انتظار در آن جامعه را تقویت کرده، مانع آسیب آن می شود.

۲_۲. عدم پیروی از فقها و دانشمندان

ناگفته پیدا است دغدغه هر مسلمان متعهدی، راهنمایی بشر و نوع انسان ها به سوی فلاح، رستگاری و سعادت است. این وظیفه، در خصوص حفظ ایمان مسلمانان، دو چندان می شود؛ چرا که عالمان و متفکران مسلمان، خود را مسؤول دینداری مسلمانان

می‌دانند و هر آنچه که به دینداری آن‌ها، خواه در ذهن و خواه در عین، آسیب برساند را آفت دانسته، با آن به مبارزه بر می‌خیزند. تلاش خستگی‌ناپذیر و مجاهدت تاریخی فقها و علمای شیعه در طول عصر غیبت، گویای این حقیقت است که همواره دفاع از کیان مذهب و راهبری جامعه منتظر شیعه در خط مستقیم امامت و حفظ حدود فکری و واقعی آن در رأس فعالیت‌های علمی و عملی ایشان بوده است.

با توجه به پیش‌بینی‌های پیامبر از آینده جامعه اسلامی و ایمان آوردن آیندگان به آرمان‌های والای اسلام و توجه دادن به امامت دوازده امام پس از او و غیبت طولانی دوازدهمین امام ناچار برای تضمین تداوم رهبری اسلامی _ در عصر غیبت کبرا _ باید برای امام غایب جایگزین و قائم مقامی باشد تا کمال، جامعیت و جاودانگی اسلام به خطر نیفتند؛ بنابراین رهبری در عصر غیبت امام معصوم، اصلی منطقی و معقول و نهادی عقلانی و بسیار ضروری و هماهنگ با اصول اولیه اسلام است.

مرجعیت فقیه با کفایت و جامع شرایط،

بهترین فرض ممکن در صورت غیبت امام معصوم است؛ به همین دلیل نهاد مرجعیت در متن تعلیمات دین مطرح بوده تا مشکل و معضل جامعه منتظر را در عصر غیبت تا حدود زیادی برطرف کنند. شیعه، به برکت چنین نهادی در طول تاریخ پریچ و خم و با بدترین شرایط اجتماعی و حکومتی در بهترین وضعیت فکری، علمی و سیاسی قرار داشته است.

روایات معصومان لزوم تقلید از فقها و مرجعیت علمی و دینی آنان را یاد کرده و آنان را حاکم و حجت مردم قرار داده است.

(۱)

با این وجود، آنچه سبب می شود میان این رکن و حصن عظیم و مردمان جامعه منتظر فاصله افتد، به آسیب های فکری و رفتاری و آثار برآمده از آن ها مربوط می شود که دامن گیر جامعه منتظر شده است. مهم ترین نقش عالمان و دانشمندان آن است که در علم آموزی، فعالانه برخورد کرده، حضور جدی داشته باشند. وقتی فضای روابط انسانی میان عالم و دانشمند و پرسش گر و دانشجو، جایگاه

خود را بیابد، علم آموزی فراگیر می شود و میل به پرسش گری از دانشمندان تقویت می شود و این امر، تضمین گر شیوع بصیرت دینی درباره انتظار و رسالت تاریخی جامعه منتظر خواهد بود؛ اما اگر اخلاق و هنجارهای حاکم رعایت نشود، دانشجویان و طالبان علم به سراغ اهل علم نمی آیند و در این صورت است که نیازمندان علمی با مجهولات خود باقی می مانند و جهل و نادانی بر آن ها چیره می شود. دوری از فقها و دانشمندان که از آثار اجتماعی آسیب های جامعه منتظر محسوب می شود، خود زمینه ساز بروز مسایل و مشکلات بی شمار دیگری خواهد شد.

حال اگر این مجهولات مربوط به حوزه دین باشد، تأثیر آن دو چندان می شود؛ زیرا مردمان جامعه منتظر نمی توانند رفتارهای خود را با هنجارهای دینی مطابق سازند و افراد جامعه، هم نوا با دین شوند. اصولاً در این وضعیت، مردمان، از هنجارهای دینی، اطلاعات لازم و کافی ندارند تا رفتارهای خود را با آن هم‌نوا سازند و از این خطرناک تر وقتی است که همین پرسشگران به جای مراجعه به دانشمندان و اهل علم متخصص و

با کفایت، به کسانی که صلاحیت لازم را ندارند، روی آورند و همین امر باعث پیدایش هرج و مرج ها شده، دین آن ها به مخاطره می افتد.

۳_۲. گسست میان نسل های تشیع

با آغاز غم انگیز عصر غیبت، جامعه شیعیان وارد دوره جدیدی از حیات تاریخی خود شد. این مرحله نه تنها شرایط خاص خود را دارا بوده که اساساً طریق هدایت الهی در آن نیز در مقایسه با ادوار پیشین متفاوت است. جریان هدایت الهی در قالب حجت های خداوند، این بار به صورت طولی گسترش یافته و همزمان با مدیریت امام عصر علیه السلام، فقها به عنوان مرجع و ملجأ جامعه شیعه وارد عمل شدند. این رویه تا بدان جا ادامه یافت که بررسی حیات تاریخی تشیع در عصر غیبت، به دلیل پیوند محکم جریان مرجعیت با واقعیت های زندگی شیعیان، در گرو شناخت مراحل تکامل مرجعیت شیعه است.

جریان مرجعیت، علاوه بر حفظ علوم و معارف مبنایی جامعه منتظر به عنوان نخ تسبیحی عمل می کند که نسل های تشیع را

در مسیری واحد نگه داشته و به پیش می برد. در واقع آنچه باعث شده تا تشیع از اقلیت در آمده، برابر انبوه فشارهای سیاسی و اجتماعی و حتی مذهبی سربلند باشد، وجود عنصری همیشگی و مستمر به نام مرجعیت است که البته در زمان های مختلف، بسته به نیازها و شرایط هر دوره، در چهره های متفاوت به ظهور رسیده است.

علاوه بر این، مطالعه جریان مرجعیت و رهبری در عصر غیبت، گویای شرایط هر دوره از تاریخ تشیع است؛ از این رو مرجعیت شیعه، آینه دار حیات جامعه منتظر در طول تاریخ به حساب می آید.

این پیشینه پرافتخار و طولانی که به عنوان دسترنج تاریخی جامعه منتظر در عصر غیبت شکل گرفته است، نیازمند ارائه و انتقال به نسل های آینده تشیع بوده که در این میان بروز آسیب های ذکر شده برای جامعه منتظر، مانع این رخداد مهم می شود. دامن زدن و گرفتار آمدن جامعه منتظر در آسیب های فکری و رفتاری، سبب می گردد ارتباط آن با سنت، از بین رفته و امکان برقراری ارتباط با نسل های گذشته از میان برود. در چنین

زمینه ای است که رسالت تاریخی جامعه منتظر تحت تأثیر واقع شده، در آرمان نهایی آن، ابهامات و سستی هایی به ظهور می رسد.

از این رو یکی از مهم ترین آثار و پیامدهای بروز آسیب در جامعه منتظر را می بایست در ایجاد گسست میان نسل های تاریخی تشیع جست و جو کرده و برای بررسی و مطالعه گستره این پیامدها و راه های مقابله با آن تلاش کرد.

فصل چهارم: نقد و بررسی مستند آسیب‌ها در جامعه منتظر

اشاره

با توجه به آنکه بحث مهدویت و عناصر وابسته به آن، جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی فراوان دارد، در کشورهای اسلامی و برخی کشورهای دارای فرهنگ شرقی مانند هند، مورد توجه خاص قرار گرفته است. مدعیان دروغین مهدویت و نیابت و ملاقات گرایبی نیز از این ظرفیت و گرایش عمومی سوء استفاده کرده‌اند. لذا لازم است زمینه این گرایش‌ها و شیوه‌بهره‌برداری مدعیان روشن شود. مدعیان جدید با طرفندهای ویژه و با استفاده از امکانات و فن آوری روز؛ مانند ماهواره و اینترنت و مطبوعات، به تحریک احساسات عمومی می‌پردازند.

اغلب عارف نمایان، خود را، رابط میان مردم و امام زمان معرفی می‌کنند؛ حال آنکه

عرفای واقعی و بزرگ شیعه، چنین ادعایی نکرده اند. (۱)

به راستی چرا این تغییرات در زمان ما رخ داده است؟ آیا امروز به روایات جدیدی برخوردیم که امثال کلینی نیافته بودند؟ آیا امروز، برخی از چنان معرفت و ایمانی برخوردارند که امثال شیخ مفید و شیخ انصاری از آن بی بهره بوده‌اند؟ آیا در عصر ما درهای ملاقات به روی آن‌ها باز شده است یا شرایط فرهنگی و مذهبی زمان ما برای رواج یافتن ادعاهای ملاقات، مساعد شده و مدعیان جرأت و جسارت بیشتری پیدا کرده‌اند؟

۱. بازخوانی پرونده‌های مدعیان دروغین

۱_۱. یک زن در دشتستان، مدعی رابطه با امام زمان و شفای بیماران شد. وی در جلسه خاص خود با در دست گرفتن پرچم، به میان جمع آمد و با حالتی ویژه گفت: «الان امام زمان در جمع حضور دارد و باید به احترام ایشان قیام کنید». براساس گفته خبرنگار پارس نیوز، وی با وجود حضور پلیس و

اطلاعات، حاضر به آمدن همراه پلیس نشد و فریب خوردگان ادعا کردند: «اگر او را بپرید، زلزله خواهد شد». (۱)

۱-۲. پزشک مصری، ناگهان در مصلاي نماز جمعه يکي از شهرهاي عربستان اعلام کرد که حضرت مهدي است! وی قبلاً نیز ادعای نبوت کرده بود. (۲)

۱-۳. يک فلسطينی مرتبط با رژیم صهيونستی، ادعای مهدويت کرده است. اين شهروند فلسطينی در جنوب غزه، ادعا کرد، مهدي موعود است و از هواداران حماس خواست از او تبعیت کنند. البته او با رژیم صهيونستی، روابط پنهان داشته است. (۳)

۴_۱. فرد دیگری که متولد ۱۳۱۴ است، ادعای واسطه فیض از طرف حضرت حجت و نیز ادعای مکاشفه کرده است. وی با وادار کردن افراد به اعتراف به گناهانشان در

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱ بهمن ۱۳۸۶، ۱۲ محرم ۱۴۲۹، شماره ۸۲۳۵، سال ۲۹، ص ۲.

۲- ویژه نامه جام جم، (کتراهه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۵۹، اخبارمدعیان.

۳- ویژه نامه جام جم، (کتراهه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۵۹، اخبارمدعیان.

برابر وی و نوشتن آن گناهان و تهیه زمینی برای مسجد جمکران در مشهد، سعی در جذب افراد دارد. او همچنین ادعای ارتباط دائم با امام زمان را دارد و به نقل یکی از یارانش: «ایشان یک تنه در زمان غیبت برای هدایت مردم حاضر شده است». (۱)

۵- ۱. علی. ی. متولد ۱۳۴۴ تهران است. وی اخراجی دانشگاه بوده و ادعای رجعت دارد. مدعی است معلم غیبی به او گفته است: «تو باید اولین کسی باشی که در صبح ظهور به امام می‌رسی». وی حتی حوادث زلزله ترکیه [پس از حادثه کوی دانشگاه] و مرگ اسحاق رابین را به خود نسبت می‌دهد و می‌گوید: «ما از خدا خواستیم و او انجام داد». حتی در جایی به حضرت موسی هشدار می‌دهد که جلوی اسرائیلی‌ها را بگیر و الاً من خودم اقدام می‌کنم. (۲)

۶- ۱. ک. ب. متولد ۱۳۳۷ بروجرد، قرآن درمانی از شیوه‌هایش بود. آیاتی از کلام الله را با گلاب و زعفران می‌شست و به مراجعان

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۵۱.

می داد تا مشکلاتشان حل شود؛ مثلاً به نانوایان، آیه «ن وَالْقَلَم» و برای دندان درد، آیه «السِّنِّ بِالسِّنِّ» را می داد. نامه‌هایی به مجامع بین المللی و پاپ نوشت و خود را پیشوای مستقل و مذهبی و مظلوم خواند. وی خود را نوه بیست و هفتم امام موسی کاظم علیه السلام و همچنین نوه آیت الله بروجردی معرفی می کرد. القابی از جمله كهف المضطرين، مصلح خانه نشین، ناطق الدعوات و... برای خود بر می گزید. (۱) این مدعی، حتی بدون گذراندن دروس سطح حوزه علمیه، برخلاف نص صریح روایات، مدعی رسیدن به مقام «نماینده‌خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» شده است.

۷-۱. مدعی دیگر که در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ فعالیت می کرد در اطلاعیه‌های خود، اعلام می کند که: [به اصطلاح] نظام جمهوری اسلامی، شرک آلود است و او از طرف امام زمان، مأموریت دارد آن را از بین ببرد. همچنین اعلام کرد: قائم آل محمد، خمس به غیر معصوم را حرام می داند، و می

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

گوید: امام زمان به قوای قهریه نیاز ندارد. (۱)

۸_۱. خانمی که مدعی ارتباط مستقیم با امام زمان بود، به خانمها عنوان می کرد: «اگرشش ماه نزد همسر خود نروند، حتماً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را رؤیت خواهند کرد». در صورت جدایی شخص از گروه وی، دیگر افراد گروه، ضمن توهین علنی و حتی نسبت حیوانیت دادن به او، برایش مجلس ختم برگزار می کردند. (۲)

۹_۱. خانم گک _ الف متولد ۱۳۳۰ تهران، ادعاهای خود را از سال ۱۳۶۳ آغاز کرد. ادعا می کند، امام زمان به او فرموده اند:

«اگر من سه نفر مثل تو داشتم تا حالا آمده بودم. من ممنونم از شما که چهل سال ظهور مرا جلو انداختید». این خانم همچنین ادعا کرد: «چندین بار با حضرت ملاقات داشته ام و ایشان یک اتومبیل و یک باب منزل در تهران به من داده اند و منتظرم حضرت

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۵۷.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۳۰.

ظهور کنند تا با ایشان ازدواج کنم» (۱).

۱۰-۱. خانمی معروف به م. ن با تبلیغات، به خصوص میان خانم ها و در مراسم مذهبی، راننده خود را حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کرد. او زنان را ترغیب می کرد زیور آلات خود را به راننده وی هدیه کنند. (۲)

۱۱-۱. شخصی به نام احمد بن الحسن در سال ۱۳۸۴ در عراق، ادعای نیابت امام عصر را داشت. وی در شوال ۱۴۲۶ اطلاعیه‌ای صادر کرد و دیگران را به مباحله و مناظره خواند. طرفداران او می گفتند: چون مراجع مباحله را نپذیرفتند؛ لذا ادعای او بر حق است. (۳)

۱۲-۱. فردی که سال ها مدعی ارتباط با امام زمان بود و سپس مدعی شد خودش امام زمان است، به دست نیروهای امنیتی دستگیر شد. این فرد با حفر گودالی زیر اتاق خود، در منزلش و با مخفی شدن در گودال، از طریق همسرش به مریدانش اعلام می کرد: «آقا»

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.

۳- پیچک انحراف، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

برای زیارت طی الأرض کرده است. مریدان وی با مراجعه به داخل اتاق و ندیدن وی، این ادعا را باور می کردند. این مدعی در حالی که با مریدان خود با پای پیاده به جمکران می رفت، کنار پل ورودی جاده جمکران مخفی شده و سپس همسر و برادر همسر وی، مدعی غیبت صغرای وی از چشم مریدان شدند و فرد یاد شده به مدت یک سال در منزلش مخفی شد.

این فرد که به ظاهر دچار روان پریشی است، توانسته بود تعداد قابل توجهی افراد را که مناصبی نیزداشتند، به حلقه مریدان خود بیفزاید؛ اما پس از دستگیری وی به همراه مریدان اصلی اش و حبس آنان در زیر زمین ساختمانی در قم، مریدانش از وی می خواهند با استفاده از قدرت امامت خود برای آزادی آنان کمک کند؛ اما با ناتوانی این امام زمان قلابی پس از آزادی و گذراندن مدت محکومیت، دوباره مانند گذشته فعالیت ادعاهای دروغین خود را از سر گرفته است. (۱)

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه، ۲۷ دی ۱۳۸۵، ۲۷ ذیحجه ۱۴۲۷، شماره ۷۹۶۸، سال بیست و هشتم، ص ۲۱.

۱۳-۱. فردی که مدعی امامت بود، ادعاهای دروغین خود را پس گرفت. این مطلبی بود که روزنامه جمهوری اسلامی، از دادستان عمومی و انقلاب قم نقل کرده است. این مدعی منحرف که خود را امام چهاردهم می‌دانست و می‌گفت امام دوازدهم، حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا رفته‌اند و بدن ایشان در جمکران دفن شده است و امام سیزدهم، در اصفهان زندگی می‌کند؛ اما بنابر مصالحی خود را آشکار نمی‌کند. از هنگامی که امام دوازدهم در جمکران مدفون شدند، باید نماز را به سوی جمکران بخوانیم! شرم آورتر اینکه عده ای مردوزن، ادعاهای او را باور کرده، نماز خود را نیز رو به جمکران می‌خواندند. البته این فرد وبسیاری از مریدانش اهل قم نیستند و تنها برای ایجاد پوشش مذهبی و نفوذ در عقاید افراد بی سواد و استفاده از احساسات پاک مردم، با حضور در این شهر زیارتی، به کار اخاذی و شیادی از زائران می‌پردازند. (۱)

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه، ۲۷ دی ۱۳۸۵، ۲۷ ذیحجه ۱۴۲۷، ش ۷۹۶۸، سال ۲۸ ص ۱، و یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۵ ش ۷۹۶۵ سال ۲۸ ص ۴.

۱۴_۱. عبدالرضا، ق، د مدعی مهدویت و نبوت، ادعا می‌کند: «من امام زمان هستم و چون پیام در جهان می‌آورم، پیامبر هم هستم. درست در چهل سالگی متوجه شدم خداوند یک سری کارها را می‌خواهد برعهده من بگذارد». (۱)

۱۵_۱. خانم اکرم، الف، مدعی اخذ مقام از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در جلسه انحرافی خود، ادعاهای خود را به واسطه فرد ناشناسی که او را نمی‌شناسد طرح می‌کند. وی مدعی است حرف‌های حضرت حجت را از جانب وی می‌گیرد. او در جلسه مریدانش گفت: این دفعه به من گفت: «با مرتبطین با خود، خیلی رأفت نشان می‌دهی؛ لذا باید چله سخت به آن‌ها بدهی» و من می‌دانم این چهل روز برای شما سخت تر از ندیدن من نیست؛ لذا چهل روز مرا نمی‌بینید. در این چهل روز هیچ گونه ارتباطی با من برقرار نکنید. به این امامزاده‌ها و زیارتگاه‌ها بروید و از نوارها و سی‌دی‌های قدیم من استفاده کنید. خودتان را بسازید و

۱- نرم افزار شمیم انتظار ۲، (مدعیان دروغین).

حجاب‌ها را بردارید. (۱)

۱۶_۱. مدعیان در کلاس تشرف دروغین، شخصی را گزینش کردند که ارتباط با امام زمان دارد و برای سؤال باید از قبل نام نویسی کرد و به آن شخص داد، تا جواب را از آقا بگیرد. فردی که هشتاد درصد بینایی خود را از دست داده بود، مراجعه کرد. به او گفتند روز بیستم جواب را می‌گیری. روز بیستم به او گفتند: «حضرت آمدند شما خواب بودید و ایشان رفتند». (۲)

۱۷_۱. شخصی به نام م، الف، دست مریض را کنار سجاده خیالی از امام، به ظاهر در دست امام، می‌گذاشت و می‌گفت: آقا روزی یکی دو تا را شفا می‌دهد. بعد همگی شعار می‌دادند: «یا صاحب الزمان در پیش ما بمان، یا صاحب الزمان آخرت با ما بمان». (۳)

۱۸_۱. در نمازی که به سجاده فرضی حضرت حجت اقتدا می‌کردند، در تشهد نماز

۱- نرم افزار شمیم انتظار ۲، (مدعیان دروغین).

۲- نرم افزار شمیم انتظار ۲، (مدعیان دروغین).

۳- نرم افزار شمیم انتظار ۲، (مدعیان دروغین).

بدعت‌هایی همچون «وفاطمه بنت رسول الله أم المؤمنین حجه الله سیما بقیه الله فی الارضین صاحب الزمان» را به صورت دسته‌جمعی می‌خواندند. (۱)

۲. عوامل انحراف مدعیان

اشاره

کارشناسان پس از بررسی علمی بر روی مدعیان، عوامل ذیل را علل ادعاهای واهی و کذب بیان کرده‌اند:

۱_۲. اختلال روانی

فشار روانی، یکی از رایج‌ترین بیماری‌های زمان معاصر است؛ به گونه‌ای که طبق برآورد کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، حدود شش درصد جمعیت کل جهان، از بیماری‌های روانی رنج می‌برند. شروع هشتاد درصد از بیماری‌های جسمی، با فشار روانی همراه بوده است که اصطلاحاً به آن، سایکوزیس (۲) (جنون) تحمیلی می‌گویند چنین فردی با قاطعیت

۱- نرم افزار شمیم انتظار ۲، (مدعیان دروغین).

۲- «psychosis»، (براساس فرهنگ نرم افزاری انگلیسی - فارسی بایبلون).

ادعای خود را بیان می کند تا دیگران را تحت تأثیر قرار دهد و دیگر هیچ منطقی را نمی پذیرد. (۱)

مدعی، خانم ف، الف در بازداشتگاه، در پاسخ به سؤالی که آیا ادعای همسری امام زمان را کردید، گفت: «من نگفتم؛ اهل بیت گفتند و این قول را به من دادند. فقط در یک روز، سیزده بار خواستگار داشتم. امام را با چهره می شناسم. چهره جوان و پیر دارند. چهره اصلی ایشان را می شناسم و خانم حضرت زهرا پیغام دادند به خانم ف بگویید ظهور فرزندم مهدی نزدیک است. آنان باید توبه از گناهان گذشته کنند، به آنها بگو بلاهای آسمانی نزدیک است اگر احساس بلا کردند، تا می توانند از شیشه ها فاصله بگیرند. به آن ها بگو آن روز که حمیدم بیاید من نیز با حمیدم می آیم و شما می دانید از نام های حضرت حجت، حمید است. همچنین سال ۷۰ حضرت دو جمله فرمودند: نمی توانم بیایم؛ چون مردم مرا طلب نمی کنند. دو شب بعد

۱- نشست ۵۹ مؤسسه فرهنگی انتظار نور، با عنوان «بررسی خلق و خوی مدعیان»، گفتار دکتر برهانی (روان شناس).

گفت نمی توانم بیایم اگر بیایم باید بکشم؛ برای اینکه نکشم نمی آیم. من تصمیم گرفتم ایشان هم بیاید و هم نکشد؛ لذا یک سال گریه کردم. چشم هایم به سرعت بینایی اش را از دست داد. حضرت فرمودند: اگر بیایم، مرا می بینی و بینا می شوی. (۱)

۲_۲. خود کم بینی و حقارت

به تعبیر روان شناسان، عقده حقارت (۲) یعنی افرادی که در کودکی دچار کمبود یا محرومیتی بوده اند، در بزرگسالی به دنبال جبران آن هستند که منجر به نوعی خود شیفتگی می شوند که برای جامعه خطرناک هستند؛ یعنی جامعه را به دنبال اهداف تخیلی خود می کشند. (۳)

۲_۳. افراط و تفریط

یکی از زمینه های شخصیتی مدعیان، رفتار خلوت جویانه و انزوا طلبانه آنها است.

۱- نرم افزار شمیم انتظار ۲، (مدعیان دروغین).

۲- interiority complex.

۳- «نشست ۵۹ مؤسسه فرهنگی انتظار نور»، با عنوان «بررسی خلق و خوی مدعیان»، گفتار دکتر بهانی (روان شناس).

این اعمال مدعیان، که تنها شباهت صوری با رفتار اولیای الهی دارد (که دورانی را به خلوت و راز و نیاز پرداخته‌اند)، می‌تواند عامل فریب مردم باشد. البته این‌ها در برهه‌ای دیگر توان شورش‌های فراوان دارند. (۱)

۲_۴. سوءاستفاده از نادانی

بی‌خبر نگاه داشتن افراد از روند فعالیت‌های خاص، از سوی مدعیان و سران فرقه‌ها و معاشرت آنان با افراد آسیب‌پذیر و دارای مشکلات زندگی، عامل دیگری است که سردمداران فرقه‌ها با اعمال قدرت خاص، افراد را مسحور خود می‌کنند. و از طرفی، مردم هم، گرایش خاصی به عرفان‌های کاذب و نودارند و مدعیان معمولاً راه و روشی معرفی می‌کنند که تکالیف کمتری را راحت‌تر را به دنبال دارد.

مهندس رضا ابوسعیدی پژوهشگر مقیم آمریکا می‌گوید: «یکی از مشاورین سازمان سیا خطاب به سران سازمان می‌گفت، برای

۱- «بررسی خلق و خوی مدعیان» دکتر برهانی، سخنرانی در نشست ۵۹، مؤسسه فرهنگی انتظارنور، سال ۱۳۸۶.

براندازی ایران، این قدردنبال برنامه‌هسته‌ای ایران نباشید بلکه بیاید فرقه سازی کنیم. فرقه‌هاوقتی ساخته شود، آن اراده ملی... ازین مردم می‌رود؛ آن‌گاه بایک حمله ساده می‌شود آن منابع انسانی و مالی کشورها راتصاحب کرد. (۱)

۲_۵. زودباوری مردم

مدعیان عرفان، برای به دام انداختن انسان‌های ساده اندیش، از شیوه‌های گوناگون استفاده می‌کنند؛ گاهی القا می‌کنند روش‌های رایج در عرفان اسلامی نا کارآمد است؛ مثل پیمودن ره صد ساله در یک شب؛ لذا راه‌های انحرافی خود را طرح می‌کنند. گاهی عقاید سنتی را با فرهنگ التقاطی غربی و شرقی گره می‌زنند. گاهی محوشدن در ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مطرح کرده؛ خود را نماینده ایشان معرفی می‌کنند تا بتوانند به بهانه بیعت، زنان را وادار به ارتباط با خود نمایند و گاهی با طرح راه حل‌های آسان و معجزه آمیز دروغین، ایجاد جاذبه می‌نمایند؛ برای مثال،

۱- نرم افزار شمیم انتظار ۲، مدعیان دروغین.

مدعی ك ب، به مردم این گونه القا می کرد: «کار ما تماماً کار عرفانی است. معرفتتان را به من زیاد کنید. اگر می گوید «یالیتنا کنا معک فنفوز فوزاً عظیماً» پس یا الله (کنایه از اینکه فرصت را از دست ندهید. همین ها است. از ما حمایت کن، حیف است من مجهولاً بروم. بعد من دیگر کسی نیست این حرف ها را بزند.

باورداشتمان را محکم کنیم. من ثابت کردم مأموریت دارم. همه کار باید از ناحیه نایش باشد. خیلی از عرفای اقلیت های مذهبی می دانند که الان نزدیک ظهور است؛ لذا دوربین هایی نزدیک خانه ما گذاشتند تا ببینند چه موقع جنب و جوش است، خبر کنند. این ثانیه های آخر غیبت، مرا با حمایتتان، با باورداشتان یاری کنید. به شدت به دالان ظهور دارید نزدیک می ... شوید.

گاهی چنان آقا را نزدیک می بینم، فکر می کنم فردا است. شهوت و انگیزه در من مرده است. هیچی ندارم. یک جسد خالی هستم. من تشکر می کنم از همه کسانی که این سید مظلوم را در این برهه حساس غیبت

یاری می‌کنند»^(۱).

دام دیگر آنان برای جوانان، رفع حساسیت‌ها و حرمت‌ها و غیرت دینی پسران و دختران، از دوران کودکی است تا به تدریج در سنین بالاتر تثبیت شود. و آن را نوعی عشق معنوی می‌نامند.

از طرفی اعتماد و توجه فوق‌العاده مردم به اماکن و اشیای منتسب به ائمه و تردید آنان در پذیرش یا رد مدعیان و توجه به ظواهر آنان به جای تحقیق، فضا را برای عرض اندام آنان مهیا می‌کند. نمونه بارز آن، حجت دانستن خواب و رؤیا و توهّمات مدعیان از سوی مردم، حتی کسانی که مدعی آشنایی با مباحث مهدویت هستند.

طبق آمار، بیشتر مدعیان، مرد هستند؛ اما آسیب دیدگی زنان و مردان یکسان است؛ اگرچه در بعضی موارد خاص، بیشتر فریب خوردگان زنان هستند. همچنین آسیب دیدگی مجردین به طور آشکار از متأهلین بالاتر است. ضمن اینکه تحصیلات، جلوی آسیب را نمی‌گیرد. شاید علت، خلأ معنوی

۱- نرم افزار شمیم انتظار ۲، مدعیان دروغین.

واحساس نیاز بیشتر تحصیل کردگان است؛ زیرا علم بیشتر، باعث احساس نیاز و درک بیشتر می شود. مدعیان وقتی دیدند عده‌ای از مردم به راحتی ادعاهای خرافیشان را می‌پذیرند، جلوتر رفتند و بعضی از آن‌ها ادعای خدایی کردند.

۳. تحلیل نهایی

با توجه به واقعیت‌های مشهود، عواملی همچون ترویج سطحی‌نگری، میدان دادن به عناصر بی‌سواد و دروغ پرداز در عرصه‌های تبلیغات مذهبی، پیدایش خلائهای معنوی در اثر رشد و گسترش مظاهر مادی و بی‌تفاوتی در برابر بی‌بندوباری‌های اجتماعی و اخلاقی، به‌ویژه بدحجابی و خودآرایی و خودنمایی دختران و زنان و مفاسد آشکار و پنهانی که ناشی از آن است، از عوامل مهم پیدایش زمینه‌های رواج خرافات هستند. قطعاً سرمایه‌ها و برنامه‌ریزی‌های خارجی، این جریان آلوده را حمایت می‌کنند و از این زمینه مهیا، حداکثر بهره‌برداری را به عمل می‌آورند.

مهم این است که آنچه زمینه را برای این بهره‌برداری آماده می‌کند، عملکرد غلط

خودی هاست؛ به عبارت روشن‌تر، رشد خرافات، یک تهاجم از درون است. خطر این تهاجم را مدت هاست بزرگان هشدار می‌دهند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای در سفر به استان سمنان، ضمن گوشزد کردن خطر گسترش خرافات و بیان این نکته که «شیعه با آزاد فکری و تکیه بر عقل و منطق و استدلال رشد کرده است و باید قدر این ویژگی را دانست و آن را دنبال کرد» بر ضرورت مبارزه با این پدیده شوم تأکید نموده، افزود:

روحانیت آگاه و اصیل، باید بر مبنای سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روش علمای اسلام، با این گونه خرافات خطرناک، شجاعانه و بدون ملاحظه مقابله کند. (۱)

رهبر فرزانه انقلاب، همچنین فرمود:

در کنار تبیین مسائل اساسی دین، باید با خرافات مبارزه کرد. جدی باید بگیریم. سیصد سال پیش مرحوم آقا جمال خوانساری، صاحب حاشیه بر لمعه برای بر ملا کردن خرافات، کتاب کلثوم ننه را با زبان طنز نوشت. این شأن روحانی است.

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۵، ۲۴ ذیحجه ۱۴۲۷، شماره ۷۹۶۵، سال بیست و هشتم، ص ۴.

رهبر معظم، به طور خاص مدعیان دروغین مهدویت را مورد اشاره قرار می‌دهد و می‌فرماید:

این، نشانه آن است که گرایش به این عنصر اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسائل دین علاقه دارند. آدم خرافه ساز، خرافه درست می‌کند. چون کالای اصلی در اختیارش نیست، می‌رود کالای تقلبی به میدان می‌آورد که مردم را جذب کند. خطرات را باید بگویید. ملاحظه اینکه کی بدش می‌آید نکنید؛ آزاد فکری و عقلانیت شیعه، این دو عنصر در کنار هم مایه افتخار ما است. ما از اول در تفکر شیعه به منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین جور هم باید عمل کنیم. (۱)

بسیاری از مراجع عظام تقلید نیز پیوسته خطر رواج خرافات را گوشزد کرده و می‌کنند. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در دیدار مسؤولان رادیو معارف چنین بیان فرمودند:

شما باید بحث خرافات را جدی گرفته و بیش از پیش در این خصوص کار کنید. عده ای با ترویج خرافات می‌خواهند پایه های اعتقادی و مبانی استدلالی ما را تضعیف نمایند. متأسفانه عده ای امروز به سمت پیر و مرشد ساختن و

۱- نرم افزار شمیم انتظار ۲، (مدعیان دروغین).

عارف درست کردن می‌روند که باید جلوی این کار نیز گرفته شود. (۱)

خرافه دیگری که مراجع عظام درباره آن واکنش نشان داده‌اند، انتشار نامه‌هایی منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. مثلاً مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی^۲ در پاسخ نظرخواهی، مرقوم فرمود:

دست نویس مقابل، مجعول و برای رسیدن به اهداف مادی و اغراض دنیوی و یا از روی جهالت جعل شده و نظائر آن در این زمان، فراوان است. (۲)

حضرت آیت الله مکارم شیرازی هم در همین رابطه اظهار داشت:

نسبت دادن هر نوع نامه به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دروغ و خرافات است. این نوع مسائل در جامعه زیاد شده است و مردم نباید فریب این گونه خرافات را بخورند. اگر علمای دین، بدعت‌ها را در نطفه خفه نکنند، دین اصالت خود را از دست خواهد داد. بدعت گذاران در دین

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۵، ۲۴ ذیحجه ۱۴۲۷، شماره ۷۹۶۵، سال بیست و هشتم، ص ۴.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه ۸ مهر ۱۳۸۵، ۶ رمضان ۱۴۲۷، ش ۷۸۸۰، سال بیست و هشتم، ص ۴.

خدا، ظالم ترین افراد روی زمین می باشند و اگر علمای دین با این نوع افراد برخورد جدی نکنند، خداوند متولیان دین را نمی آمرزد. (۱)

۴. اهداف و انگیزه‌ها

در یک تقسیم کلی می توان اهداف مدعیان را در دو چیز تقسیم کرد:

الف. انگیزه‌های شخصی

ب. اهداف گروهی و تشکیلاتی

اسناد و تجربیات موجود ثابت می کنند معمولاً گروه‌های منحرف مدعی، مستقیم و یا غیرمستقیم دارای رگه‌های سیاسی بوده، تحت هدایت یا حمایت بیگانگان ادامه حیات می دهند. در یک جمع بندی می توان موارد ذیل را از اهم اهداف و انگیزه‌های مدعیان فردی و گروهی مهدویت برشمرد:

۱. کسب شهرت و آوازه؛

۲. کسب ثروت و سودجویی (ازافراد ساده لوح)؛

۳. شهوترانی و سوء استفاده جنسی (به ویژه با اغفال زنان و جوانان)؛

۴. احساس خود برترینی، خود دیگر بینی _ الینه شدن _ قدرت طلبی و مریدپروری

(معمولاً این نوع مدعیان، بیماران روانی هستند که دچار توهم و تخیل شده اند).

۵. جبران شکست‌های زندگی و پایان دادن به سرخورده‌گی‌های گذشته و پاسخ به عقده حقارت؛

۶. جبهه‌گیری و ضدیت با دین و مذهب و نظام اسلامی؛

۷. تشکیل شبکه‌های فساد اخلاقی، باندهای توزیع مواد مخدر، ایجاد گروه‌های ضد اجتماعی (مانند سرقت، قتل و تسویه حساب‌های شخصی و گروهی)؛

۸. تشکیل شبکه‌های سیاسی - امنیتی برای ایجاد اغتشاش و انجام عملیات‌های خرابکارانه در کشور (با هدایت و حمایت دشمنان نظام)؛^(۱)

۹. ایجاد گسست میان مردم با نظام اسلامی، مرجعیت و روحانیت؛

۱۰. ایجاد جریان‌های انحرافی در راستای تضعیف اسلام ناب؛

۱۱. مایوس کردن مردم از اسلام، تشیع، روحانیت و نظام مقدس اسلامی؛

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۵ آذر ۱۳۷۸-۱۶ ذیحجه ۱۴۲۹-شماره ۸۵۰۷-سال سی ام- ص ۹.

۱۲. تضعیف حداکثری شریعت، مرجعیت و علما و روحانیون دلسوز و توانمند.

فرب جلوبه سالوسیان مخور کاین قوم امیدشان به خدا نه، به سیم و زر است

۵. شگردهای جذب مریدان

۱. شناسایی و جذب افراد ساده لوح؛

۲. تأمین نیازهای مریدان و تطمیع جوانان با پول؛

تشویق جوانان به ارتباطات آزاد جنسی و تن پروری، مانند برگزاری اردوهای مختلط و توصیه به زنان برای کشف حجاب در مراسم ها؛

۴. ارائه اذکار و اوراد غیر مأثور و ختومات عجیب و غریب و توزیع دستورالعمل های غیر شرعی و به ظاهر جذّاب؛

۵. چشم بندی، کف بینی، رمالی و انجام امور خارق العاده یا غیر عادی، مانند احضار اجنه و تسخیر ارواح؛

۶. ادعاهای گزاف و دروغ پردازی های بزرگ مانند، ادعای کرامت و معجزه، مکاشفه، ادعای دانستن اسرار و رموز هستی و کشف اسرار و رازهای مگو، تسلط بر علوم غریبه و

دانستن خواص حروف و اعداد و جداول؛

۷. ادعای تشرُّفات دروغین به محضر ذوات مقدس معصومان؛

۸. ارائه اشیاء مختلف و انتساب آن به معصومان؛

۹. تلقین رؤیت نور، استشمام بوهای خوش با ترفندهای مختلف؛

۱۰. خواب پردازی و یا تعبیر خواب های مریدان به شکل جَدَّاب و دلخواه؛

۱۱. لفاظی و سخنوری و سوءاستفاده از قدرت بیان خود در جذب مخاطب؛

۱۲. مبهم گویی؛

۱۳. تفسیر به رأی قرآن و منابع مذهبی و بدعت در انجام مناسک دینی و صدور فتواهای من در آوردی؛ مانند خواندن نماز به زبان فارسی و یا ترک کامل آن در مواقع تشخیص مراد؛

۱۴. ارائه استخاره و تَفأل به طور مشروح و مورد پسند مخاطب؛

۱۵. ادعای تعبیر خواب؛

۱۶. انتقال حس شخصیت کاذب به مریدان مانند دادن سفارت و مأموریت های خاص به هر مرید؛

۱۷. ادعای شفاعت گناهان و شفای امراض صعب العلاج؛

۱۸. ادعای ارتباط و وابستگی به نهادهای حوزوی، قضایی، امنیتی و انتظامی و دیگر مراکز موجه نظام برای جلب اعتماد مریدان؛

۱۹. ادعای رساندن آسان و بدون زحمت مریدان به مقامات معنوی؛ مثلاً تنها با بیعت کردن و دست بوسی و تبعیت بی چون و چرا از مراد؛

۲۰. نفوذ در NGOها _ تشکلات غیر دولتی _ با وعده کمک های مادی و دستگیری های معنوی. (۱)

۶. اهم راهکارهای مقابله با مدعیان دروغین

۱. اقدامات ایجابی

_ تغییر در نحوه تبلیغات دینی؛

_ باز تولید تبلیغات دینی؛

_ ارائه مبانی و مسلمات اصول دین و مذهب به صورت فراگیر و جذاب؛

— برگزاری جلسات اخلاقی و معنوی متناسب با ذائقه مخاطبان در سنین و گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی؛

— ارائه کتب مناسب و جذاب اخلاقی و عرفانی، متناسب با سنین و فرهنگ‌های مختلف؛

— ارائه کتب داستانی (رمان) جذاب.

۲. اقدامات سلبی

اشاره

— افشاگری مدبرانه و هوشمندانه گفتارها و رفتارهای غیر عقلایی سر کرده‌های فرقه‌ها (بدون ذکر نام فرد و فرقه)؛

— توجیه اقناعی و چهره به چهره فریب خوردگان؛

— مقابله با مدعیان دروغین با استفاده از بدَل روش‌های آنان (که منجر به زیر سؤال بردن صحت ادعایشان می‌شود)؛

— روش ادعا در مقابل ادعا؛ مثلاً عالمی در مقابل مدعی سید یمانی، به او گفت: «چرا تو سید یمانی باشی؟ من سید یمانی هستم.» آنگاه فرد مدعی چیزی برای گفتن نداشت؛

— استفاده از تست‌های دروغ سنج؛

— به کارگیری از دستگاه دروغ سنج؛

— طرح پرسش از مدعیان و درخواست پاسخ از اولیاء الله.

دو نکته

۱. چنانچه اقدامات سلبی بدون برنامه ریزی و تدبیر مناسب صورت گیرد، به ترویج فرقه‌ها کمک خواهد کرد. در همین راستا مؤکداً تقاضا می‌شود در این گونه موارد از ذکر اسامی فرقه‌ها و رهبران آنها خودداری شود.

۲. نگارنده در دیداری که با عالم بزرگوار، حضرت آیت الله رودباری _ دام ظلّه _ داشته و در باره آسیب‌ها و مدعیان دروغین در عرصه مهدویت سخن به میان آوردم، آن بزرگوار فرمود:

البته نباید آسیب‌ها را خیلی برجسته نشان داد؛ زیرا باعث باور عموم و بزرگ شدن مدعیان دروغین خواهد شد؛ در حالی که مدعیان دروغین در طول تاریخ غیبت، پیوسته وجود داشته و مردم رویکردی به آنان نشان نداده‌اند.

نتیجه گیری

هر امر مهمی به نسبت اهمیت آن، در معرض خطرها و آسیب‌هایی است. آموزه‌های دینی نیز به سبب اهمیتی که در سرنوشت

افراد و جوامع گوناگون دارند، نیز از این قاعده مستثنا نیستند. در این میان درباره آموزه مهدویت نیز امکان بروز آفت ها و آسیب هایی وجود دارد که اگر به آن ها توجه نشود، آثار منفی و مخرب بی به دنبال خواهد داشت. آسیب های آموزه مهدویت، به مواردی اطلاق می شود که غفلت از آن ها موجب سستی اعتقاد آدمی به اصل وجود امام علیه السلام یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار می شود و گاهی نیز گرایش به افراد یا مجموعه های منحرف را در پی دارد؛ از این رو باید برای شناختن این کج روی ها و کج اندیشی ها اقدام جدی شود.

از آسیب های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسلامی است. درک و دریافت غلط از مفهوم انتظار سبب شده است بعضی گمان کنند چون اصلاح جهان از فساد، به دست امام عصر علیه السلام خواهد بود، برابر تباهی ها و ناهنجاری ها هیچ وظیفه ای نداشته و باید بی تفاوت بود؛ چرا که همه چیز بر عهده آن حضرت است.

در ادامه همین برداشت، افرادی نیز معتقدند هر حکومتی که در زمان غیبت

محقق شود، حکومتی باطل و برخلاف اسلام است. در چنین فضایی باید به تبیین این نکته پرداخت که روح آموزه های دینی و اساس برخی از آن ها همچون امر به معروف و نهی از منکر، در تضاد با چنین برداشتی است. نیز روایت هایی که به بطلان قیام ها و نهضت های عصر غیبت اشاره می کنند، حرکت هایی را شامل می شوند که به سبب دعوت به خویشتن برافراشته شده و محکوم به بطلان می باشند. سستی، بی اعتنایی و بی توجهی به شرایط جامعه، سر تسلیم فرود آوردن در مقابل بدی ها و ستم ها، بازیچه سیاست بازان و منحرفان شدن و مقابله با هر حرکت اصلاحی، همه از نتایج این دیدگاه در مورد انتظار است. چه شناخت صحیح از دین نداشتن، امر به معروف و نهی از منکر نکردن و نسبت به مسائل پیرامون خود بی تفاوت بودن، افراد و جامعه منتظر را از انتظار واقعی دور خواهد کرد.

دیگر آنکه برخی افراد به علت نداشتن نگاه جامع به دین و بدون بررسی دقیق روایات و سند آن ها، به شنیده ها اکتفا کرده، چهره ای خشن از امام عصر علیه السلام ارائه می دهند؛ در

حالی که باید مهر و قهر در کنار هم مطرح شوند و در چهره ای که از ظهور و حکومت حضرت و شخصیت بی مانند آن امام ترسیم می شود، مهر و قهر در کنار هم بیایند. تنها از قهر سخن گفتن و مهر را از یاد بردن، امام را در ذهن برخی افراد، خشونت طلب معرفی می کند. درباره مهر حضرت، سخن بسیار می توان گفت؛ چه روایاتی که مهر امامان را به طور عموم بازگو می کند و چه روایاتی که در ارتباط با مهر امام مهدی علیه السلام به طور خاص رسیده است.

مهربانی امام، همچون مهر خداوند کریم حکیمانه است؛ بدین معنا که قهر او نیز جلوه محبت اوست؛ چون قهر او بر دشمنانی خواهد بود که با توجه به هدایت و معجزات آن حضرت، باز هم به او کفر ورزیده و حکومت عدلش را گردن نمی گذارند. در زمین فساد می کنند و این یعنی خارها را از سر راه انسان و انسانیت برداشتن، یعنی مهر در چهره قهر. در ضمن، گروهی دیگر امام را شخصیتی تصور کرده اند که گویای به هیچ مبارزه و جهادی اقدام نمی نماید و همه امور را با معجزه حل می کند که این تفکر نیز نادرست

است؛ چرا که با هر دوی این مهر و قهر است که مبنای حکومت امام پا می گیرد و زمینه های عدالت گسترده فراهم می آید.

از دیگر آسیب های موجود که ممکن است جامعه منتظر در دام آن گرفتار آید، طرح مباحث غیرضروری است. گاهی افراد و مجموعه ها در قالب های گفتاری و نوشتاری، به بحث هایی روی می آورند که هیچ ثمری ندارد و ضرورتی برای طرح آن ها احساس نمی شود. پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و وجود فرزند برای آن بزرگوار، محل زندگی حضرت و مانند آن، از نمونه بحث های غیرضروری است. در رابطه با ازدواج حضرت بسیار دیده شده است که گروهی با بیان مطالبی غیر مستند، ازدواج حضرت را اثبات کرده و بعضی دیگر آن را رد کرده اند؛ در حالی که هیچ دلیل قطعی بر اثبات یا رد آن وجود ندارد و مهم تر اینکه توجه به چنین مباحثی فایده ای نداشته، ما را از پرداختن به مباحث اصلی و ضروری باز می دارد. آنچه در روایات به آن تأکید شده است، معرفت امام، حرکت در جهت رضایت امام مهدی علیه السلام و پیروی از آن حضرت در گفتار و کردار و

زمینه سازی برای ظهور ایشان است.

از دیگر آسیب های محتمل، خطر تعجیل و شتابزدگی است. عجله داشتن در تحقق امر ظهور که در روایات بسیاری مورد نکوهش واقع شده است، از جدی ترین آسیب های این عرصه به شمار می رود. مهیای ظهور بودن و کوشش برای زمینه سازی ظهور، بسیار مفید و پر ثمر است؛ اما نباید در این راه، شتاب زده بود. شتاب زدگی حاکی از درک نکردن حکمت و مصلحت خدا در این زمینه است و پیامدهای گوناگونی دارد که از جمله آن ها می توان به ناشکری و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی، رویکرد به منحرفان و مدعیان دروغین مهدویت، یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقق ظهور، استهزا و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور و نیز بروز شک و تردید اشاره کرد. تعجیل یکی از آفت ها و آسیب هایی است که فرا روی منتظر قرار دارد؛ اما برخی در نقطه مقابل نیز دچار آسیب شده اند که آن، دور شمردن وقت ظهور

است و نتیجه آن، بی اعتنایی و قساوت قلب است. (۱)

از دیگر آسیب ها، تعیین وقت برای ظهور است. گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام پدیده مبارکی است؛ اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور ایشان در زمانی معین منجر شود، جای تأمل بسیار دارد؛ زیرا بر اساس برخی روایات نقل شده از ائمه: هیچ کس جز خدای تبارک و تعالی از زمان ظهور آگاهی ندارد و از این رو تعیین وقت برای ظهور (توقیت) جایز نیست.

حکمت الهی بر این است که وقت ظهور آن حضرت بر بندگان مخفی بماند؛ لذا احدی نمی تواند زمانی برای ظهور تعیین کند. با این

۱- الخصال، ج ۲، ص ۶۲۲: «...و استعینوا بالله و اصبروا فإن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبه للمتقين لا تعجلوا الأمر قبل بلوغه فتندموا و لا يطولن عليكم الأمد فَتَقَسُّوْا قُلُوبَكُمْ...؛ از خدا یاری خواهید و شکبیا باشید. زمین را به هر که از بندگان خویش هرگاه خواسته باشد، می دهد و فرجام نیک از پرهیزکاران است. پیش از وقت در کارها شتاب مکنید تا پشیمان نگردید. زمان را دراز مگیرید تا در دل شما دشوار نشود.»

حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور وقت تعیین می کنند که کم ترین اثر آن، احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده، ولی خلاف آن را دیده اند.

تطبیق نشانه های ظهور بر مصادیق خاص نیز از جمله آسیب هایی است که پیوسته بعد از غیبت امام عصر علیه السلام وجود داشته است. مطابقت دادن نشانه های ظهور بر وضعیت هر زمان، به این معنا که عده ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن ها را به افراد یا حوادثی خاص تطبیق می دهند، بدون تشخیص صحیح بودن آن ها و بدون بررسی آیات و روایات دیگر، آسیبی جدی است که همواره سلامت جامعه منتظر را تهدید می کند.

ملاقات گرایی، از دیگر آسیب هایی است که در عصر غیبت برای جامعه منتظر رخ می نماید. مدعیانی که بی دلیل یا به بهانه ساده ترین اتفاق، ادعای ملاقات می کنند یا کسانی که تمام وظیفه خویش را دیدار حضرت می پندارند و از وظایف اصلی خود غافل می شوند زمینه ساز بروز چنین آسیبی

هستند. البته مسلماً دیدار، امر مطلوبی است؛ اما ویژگی منتظران واقعی امام برای دستیابی به رضایت آن حضرت، ادای وظایفی است که برای آن‌ها در نظر گرفته اند.

آنچه در کتاب حاضر گذشت، شناخت آسیب‌های جامعه منتظر در چشم انداز آموزه مهدویت بود. این آسیب‌ها و انحرافات در ابعاد فکری و اعتقادی و رفتاری و نیز در حوزه‌های فردی و اجتماعی، امکان بروز و ظهور داشته و دارند. در پیگیری موضوع کتاب، نخست به این پرسش پاسخ داده شد که آیا در متون و منابع اسلامی، برای جامعه منتظر و کسانی که در زمان غیبت، در انتظار امام غایب به سر می‌برند، آسیبی ذکر شده است؟ با فرض ذکر این آسیب‌ها، مهم‌ترین آن‌ها در این عرصه چیست و به چه مواردی اشاره شده است؟

علاوه بر این، چه آسیب‌هایی درباره روایات و آموزه‌های مربوط به انتظار ظهور امام به وجود آمده که به انحراف در برداشت‌ها و تفاسیر از آن‌ها انجامیده است؟ سپس اثرات و پیامدهایی که این آسیب‌ها در فرد و جامعه منتظر بر جای می‌گذارد و مشکلاتی که به آن‌ها دامن می‌زند، مورد بررسی قرار گرفت.

با مطالعه روایات و احادیث معصومان به مجموعه ای از خطرات و آسیب ها برمی خوریم که با غیبت امام مهدی علیه السلام برای جامعه منتظر به وجود می آید. عمده ترین این آسیب ها که به طور خاص با مسأله انتظار و ظهور ایشان درهم تنیده شده است، عبارتند از: استعجال ظهور، بروز تشّت و تفرقه، ایجاد هرج و مرج، توقیت و تطبیق شرایط با زمان ظهور، ظهور مدعیان دروغین نیابت و مهدویت و ایجاد کسالت و سستی در انجام وظایف.

علاوه بر این، مسایلی از قبیل برداشت های انحرافی از آموزه انتظار، تفاسیر نامعقول از روایات مرتبط با زمان ظهور، ترسیم امام به عنوان یک عنصر قهرآلود، ویرانگر و پایان بخش، تحریف در مفهوم غیبت و ایجاد نظریات بی پشتوانه در این باب، طرح مباحث غیرضروری در زمینه مهدویت، کوتاهی متولیان فهم در ارائه آموزه های مهدوی و انجام وظایف خود، متناسب با تحولات زمان، ملاقات گرایی، عدم پیروی از فقها و نواب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت، دامن زدن به بی توجهی و ناامیدی نسبت به حضور و ظهور

امام، سبب شده است تا آثاری همچون نفرت و ترس از امام و ترک وظایفی که نسبت به ایشان در بعد فردی وجود دارد و نیز ناامیدی افراد جامعه و عدم پیروی از عالمان و دانشمندان در مسایل زندگی و گسست میان نسل های تشیع در بعد اجتماعی و تاریخی به وجود آید. این مطالب سبب شد تا فرضیه های اصلی پژوهش ثابت شوند.

در پایان و در جهت مرور منشأ و علل آسیب های جامعه منتظر، آنچه به عنوان عوامل و زمینه های اصلی در بروز این آسیب ها و ایجاد پیامدهای ناشی از آن ها به نظر می رسید، از جمله عناصری همچون فراموشی ولایت خدا و معصومان، فقر فرهنگی، خودخواهی و اشتیاق غیرمعقول در حوزه فردی و نیز مواردی از قبیل عدم معرفت و آگاهی و طرح مباحث به شیوه غیرکارشناسی در حوزه اجتماعی، ضعف جامعه پذیری و فقر و غنای مفرط اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت و سپس راهکارهای مقابله با آسیب، تبیین گردید. آنگاه به جریانات انحرافی مدعیان دروغین و بررسی ابعاد مختلف درباره آن به طور مستند پرداخته شد.

کتابنامه

قرآن کریم.

۱. آریان پور، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی فارسی، سوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۹ ش.
۲. آریان پور، منوچهر، فرهنگ پیشرو آریان پور، جهان رایانه، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۳. آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، دارالکتاب العربی، بغداد، ۱۳۸۴ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ ق.
۶. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، حسین اعلمی، آل علی، قم، ۱۳۸۲ ش.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، المناقب آل ابی طالب، ذو القربی، قم، ۱۳۸۵ ش.
۸. ابن طاووس، السید علی، اللهوف، نوید اسلام، قم، ۱۳۸۲ ش.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، اول، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۱. احسائی، شیخ احمد، جوامع الكلم (رساله دمشقیه)، اول، دارالمحجّه، بیروت، ۱۴۲۵ ق.

۱۲. استر آبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۶ش.
۱۳. اسحاقیان، جواد، پیچک انحراف، بنیادفرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۸ش.
۱۴. اسلامی ندوشن، محمد علی، فرهنگ و شبه فرهنگ، سوم، یزدان، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۵. الیور لیمن، تاریخ فلسفه اسلامی، حسین نصر، حکمت، تهران، ۱۳۸۳ش.
۱۶. بریجانیان، ماری، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، بهاءالدین خرمشاهی، دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۷. پورسیدآقایی، مسعود، تاریخ عصر غیبت، دوم، حضور، بی جا، ۱۳۸۳ش.
۱۸. تبریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱ش.
۱۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
۲۰. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تبلیغ (۱۰)، ویژه نامه رمضان المبارک ۱۴۲۹ش.
۲۱. جرج ریتزر، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، حیدرفتح‌زاده قریب، اول، حقوق اسلامی، قم، ۱۳۸۳ش.
۲۲. جعفری، محمدصابر، مهدی ستیزان، اول، الهادی، قم، ۱۳۸۴ش.

۲۳. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، المستدرک علی الصحیحین، یوسف مرعشی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۲۴. حجاریان، سعید، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البیت، قم، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. حسینی شیرازی، صادق، شمیم رحمت، امام عصر، قم، ۱۳۸۴ ش.
۲۷. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، المكتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۹۲ ق.
۲۸. رجب زاده، زهرا، گذری بر آسیب شناسی جامعه اسلامی، اول، معارف، قم، ۱۳۸۱ ش.
۲۹. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۳۰. سید بن طاووس، الملاحم و الفتن، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۳۱. سید بن طاووس، جمال الأسبوع، آفاق، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۳۲. سید رضی، نهج البلاغه، محمد دشتی، نشر امام علی علیه السلام، قم، ۱۳۷۰ ش.
۳۳. شهیدی، جعفر، ترجمه نهج البلاغه، چاپ سیزدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ ش.

۳۴. شیخ الاسلامی، حسن، غرر الحکم و درر الکلم، انصاریان، قم، ۱۳۷۴ش.
۳۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، مکتوب، قم، ۱۳۷۵ش.
۳۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، جمال منتظر، ترجمه منتخب الاثر، نثار احمد زین پوری، مؤسسه الامام المنتظر، قم، ۱۳۸۳ش.
۳۷. صافی، لطف الله، منتخب الاثر، دوم، مکتبه الصدر، تهران، بی تا.
۳۸. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۸۰ق.
۳۹. صدر حاج سیدجوادی، احمد، دائره المعارف تشیع، شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۱ش.
۴۰. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، دارالحديث، قم، ۱۳۸۲ش.
۴۱. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، دارالتعاریف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۶۹ق.
۴۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دارالحديث، قم، ۱۳۸۰ش.
۴۳. طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۵ش.
۴۴. طبسی، محمدرضا، الشیعه والرجعه، محمد میرشاه ولد، حکمت، قم، ۱۳۸۰ش.
۴۵. طبسی، نجم الدین، نشانه های ازدولت موعود، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ش.

۴۶. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۴۷. طوسی، محمد، الغیبه، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.
۴۸. طوسی، محمد، مصباح المتعجد، مؤسسه فقه الشیعہ، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۴۹. حلی، علامه، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، اسلامیه، تهران، بی تا.
۵۰. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، ششم، نی، تهران، ۱۳۷۹ش.
۵۱. عاملی، جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش.
۵۲. حایری قزوینی، مهدی سیمای حضرت مهدی در قرآن، سوم، نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۶ش.
۵۳. علویان، مرتضی، روحانیت و جامعه پذیری سیاسی، اول، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۳ش.
۵۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، دارالهجره، قم، ۱۳۷۶ش.
۵۵. فرمهبینی فراهانی، محسن و ابوالقاسمی، محمد جواد، آسیب شناسی توسعه فرهنگ دینی، منهاج، تهران، ۱۳۸۲ش.
۵۶. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، الهی قمشه ای، اول، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹ش.
۵۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، مکتبه الهدی، نجف، ۱۳۸۷ق.

۵۸. کراچکی، عبدالله نعمه، کنز الفوائد، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۵۹. کارل پوپر، جامعه باز و دشمنان آن، عزت الله فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۸۴ش.
۶۰. کاظمی، سیدعلی اصغر، بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، قومس، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۶۱. کاظمینی، میرزا محمد، فرهنگ سازی در دنیای امروز، بنیاد فرهنگی ریحانه الرسول، قم، ۱۳۸۱ ش.
۶۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین، دارالکتاب، بیروت، ۱۳۷۸ق.
۶۳. کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، بی جا، ۱۴۱۱ق.
۶۴. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۸۲ق.
۶۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ش.
۶۶. گلشن فومنی، محمدرسول، جامعه شناسی سازمان ها و توان زمانی، دوران، تهران، ۱۳۸۲ش.
۶۷. گوستاو یونگ، کارل، روح و زندگی، اول، نیل، ۱۳۷۹ش.
۶۸. گی روشه، کنش اجتماعی، زنجان زاده، هما، دانشگاه فردوسی، مشهد، بی تا.

۶۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالمعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۷۹ق.
۷۰. مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، دوم، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش.
۷۱. مصباح یزدی، محمد تقی، آفتاب ولایت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۲ش.
۷۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۷۴ش.
۷۳. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب از دیدگاه فلسفه تاریخ، صدرا، تهران، ۱۳۸۳ش.
۷۴. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، صدرا، تهران، ۱۳۸۲ش.
۷۵. موسوی خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۹ش.
۷۶. ناظم زاده قمی، سید علی اصغر، جلوه های حکمت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ش.
۷۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۸۲ش.
۷۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ش.
۷۹. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، اول، آل البيت عليهم السلام، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۸۰. نهاوندی، علی اکبر، العبقری الحسان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ش.

۸۱. نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه‌شناسی، توتیا، تهران، ۱۳۸۳ش.

۸۲. نیم کوف واگ برن، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه آریان پور، شرکت حبیبی، تهران، ۱۳۵۳ش.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

۸۳. معین الاسلام، مریم، فصلنامه انتظار موعود، (مقاله «چشم اندازی بر برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت»، مرکز تخصصی مهدویت، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۳۸۳ش.

۸۴. کورانی، علی، فصلنامه انتظار موعود، (مصاحبه)، مرکز تخصصی مهدویت، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۰ش.

۸۵. سند، محمد، فصلنامه انتظار موعود، (مصاحبه)، مرکز تخصصی مهدویت، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۸۱ش.

مجلات، نرم افزارها و سایت‌ها

۱. «دانش‌نامه ویکی‌پدیا فارسی»، سایت ویکی‌پدیا، جیمی ولز، ۲۰۰۱م.

۲. صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ویژه‌نامه‌ی کژراهه (تأملی در عرفان‌های دروغین)، جام جم، اسفند ۱۳۸۶.

۳. نشریه کتاب نقد، دی ماه ۱۳۷۶ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹